



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: کلیه قوانین مرسومه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبار مجلس - انتصابات - آگهیهای رسمی و قانونی

شماره ۱۹۹۳

۴ شنبه ۲۷ آذر ماه ۱۳۳۰

سال هفتم

شماره مسلسل ۲۱۲

دوره شانزدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۲۱۲

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه شنبه نوزدهم آذر ماه ۱۳۳۰
فهرست مطالب:

- ۱ - طرح صورت مجلس جلسات ۱۷ و ۱۴ آذر
 - ۲ - بیانات آقایان: جمال امامی - قاسم فولادوند - شوشتری
 - نخست وزیر و آقای مکی
 - ۳ - موقع و دستور جلسه - بعد ختم جلسه
- مجلس ساعت ۴۵ دقیقه بعد از ظهر بریاست آقای کنجی (نایب رئیس) تشکیل گردید.

۱- طرح صورت مجلس جلسات ۱۴ و ۱۷ آذر

نایب رئیس - نسبت به صورت مجلس اعتراضی نیست...؟ آقای کشاورز صدر کشاورز صدر - بنده بعد از فرمایشات آقای نخست وزیر عرضی دارم.

نایب رئیس - آقای حائری زاده

حائری زاده - در جلسه گذشته در ضمن فرمایشات جناب آقای جمال امامی و آقای عبدالقادر آزاد عبارتی گفته شده است استدلال کرده اند در آن عبارت که در نظر از اعضای جبهه ملی از جمعیت هواداران صلح استعفاء کرده اند و آنها سابقه داشتند که یک چنین جرایمی پیش آمد میکند و روز قبل استعفاء کرده اند چون لازم است در اطراف این موضوع توضیح داده شود اگر مقام ریاست اجازه می فرمایند

بعنوان اصلاح صورت مجلس توضیح بدهم والا از ماده نظامنامه استفاده می کنم و بعد بنده اجازه بفرمایید در اطراف این موضوع توضیح بدهم که اشکالی باقی نماند
نایب رئیس - به موقع خود بفرمایید آقای آشتیانی زاده

آشتیانی زاده - در جلسه گذشته رفیق محترم بنده آقای مکی راجع فروش نفت يك اظهاراتی کردند که بایستی حتماً امروز از ماده ۹۰ استفاده کنم و حقایق جلسه راجع بتصویب ۹ ماده موده بموجب فروش نفت را از این جا بگوش ملت ایران برسانم.

نایب رئیس - راجع به صورت مجلس

بفرمایید ماده ۹۰ را می رسم
آشتیانی زاده - بنده می خواستم

از آقا استعفا کنیم این را فراموش نفرمایید چون هر وقت بنده مشغول این ماده می شوم ملی ای حال خود آقا باشد باریک بینی بگیری مانع می شوی امروز بنده برای ماده ۹۰ میایم پشت تریبون را که خواستید جلو گیری کنید بنده حرف میزنم و همانجا می مانم تا بنده را از پشت تریبون بکشند و ببرند و چند عکس هم راجع بوقایع پنج شبه گذشته این جا دارم که خدمت آقای نخست وزیر می فرستم ببینند روشنفکران و اشخاصیکه معرف طبقه متوره مملکت هستند کجا هستند این اشخاص و حضور مردم را با تجمیع ترین وضعی غارت کردند (صحیح است)

جمال امامی - آنرا دوباره پس بگیرند.

نایب رئیس - آقای فرهودی

فرهودی - عرضی نداشتم
نایب رئیس - آقای مکی

مکی - بنده می خواستم يك توضیح مختصری عرض کنم که پیشنهاد آقای آشتیانی زاده در آن جلسه که بنده مراجعه کردم این بود که از اول بتوانند بزیاده بگذارند و بنده عرض کردم در قانون این طور پیش بینی شده که بخر بدهان سابق عرض میکنم اگر نغز بدهند آزاد هستیم به هر کس بخواهیم بفروشیم

نایب رئیس - آقای پیراسته در صورت جلسه اعتراضی دارید؟

جمال امامی - بنده هم تقاضا می کنم.

پیراسته - عرض کنم که اولاً به تشکیل این جلسه اعتراض دارم در جلسه علنی مجلس شورای ملی امروز آقایان دیدند که دو نفر را از عده حاضر در مرکز کسر کردند و عده را که ۱۱۴ نفر بود ۱۱۲

نفر کردند و عده را بر زمینهای این برای اینکه جلسه تشکیل شود
امامی اهری - آقای صدری و موسوی و ناظر زاده رفته اند مسافرت پیراسته - چرا قبل از این آوردند این عرض دیگر ما بنده است که امروز و روز اعلامیه حقوق بشر است و بنده از پشت این تریبون (زنك رئیس) نایب رئیس - راجع بصورت جلسه بفرمایید

پیراسته - اعلام می کنم که امروز ملت ایران امنیت ندارد در پایتخت کشور (زنك رئیس) در کشوری که ۳۰ میلیون (زنك رئیس)

نایب رئیس - آقای پیراسته بشما تذکر می دهم

پیراسته - در کشوری که کسی میباید بودجه دواير تأمینیه اش است ریخته اند و ادارات جرایم را غارت کرده اند (زنك متذکر رئیس - دعوت بسکوت) (نایب رئیس - در صورت مجلس اگر اعتراض دارید بفرمایید) آقایان من سند زنده دارم این آقای معاون بسیار محترم نخست وزیر با آقای شهبان بر مخ هر چه داشته است این عنصر شریف همه را غارت داده است ما نخواهیم گذاشت که این اشخاص مملکت را بخرن بکشند (همی) بنده نماینده گان (زنك رئیس)

نایب رئیس - آقای پیراسته بیانیته

پیراسته - آقای پیراسته بیانیته تا دنیا بداند که در حکومت دکترا مصدق امنیت نیست آئین نامه در این مملکت رعایت نشده قانون رعایت نشده آزادی رعایت نشده حقوق بشری رعایت نشده و اکنون می خواهند ما را بفروشند (زنك متذکر رئیس) آقای رئیس شما که آئین نامه

این مذاکرات مشروح دو روزمست و دو روزمست از دوره شانزدهم قانونگذاری

اداره تند نویسی و ترمیر صورت مجلس

شروع نگردد و اگر بکنند باید آمدن این تومین را به مجلس شورای ملی گردانند (تومین نشانی) و دلایل را هم بفرمایند (این بیچارهها هم با وجدان معذب طرفدار ایشانند من پسران قسم میخورم یا وجدان معذب طرفدار ایشان هستند تمصب اینجا بر شده است و در شانیه اینکه پوش معنف باشد این بدبختها باید شرمند این آمد با تومین هم که یوزلار تومین و قدرتش از اجناس تومین کرد بشر که این کارها را نمیکند حالا می خواهی بیاچه بگوئی ؟

چه گزارشی بدی امروز یکصد تنه سازی هر روز یک خیه شب بازی ، شما بگوئی که من روز ۱۴ آذر تومین چه های مردم را کشتم جایگاهها را غارت کردم ، من نخست وزیر اینها را رفتم غارت کردم و آتش زدم آخر آقا شما دونتی ، برای اینکه نگذارید غارت بکنند ، آتش برنند خودت باید بروی غارت بکنی و آتش برنی پس وای بر ما وای بر اهالی این مملکت بدبخت که مقدماتشان را بدست کی سیرده اند و جلاله امی آمده را تهدید میکند که اگر اینجا نگذارید من حرف بزنم و بیروم جلوی مجلس ، ای بچه ام ، آقایان شما ها که طرفدار این دولت هستید یون بفرمائید تا اکنون این سابقه در دنیا بوده است که يك نخست وزیری بیاید به مجلس شورای ملی بگوید من بیروم جلوی در با مرده حرف زدم میزاج و شما مجلس نیستید ، آقا تمصب صفی داشته باشید اما قبل از اینکه طرفدار دولت باشیم همه مان و کین هستیم (تیم وز- تاش - طره قدره مشروطه هستیم) اگر دولت بخواهد بمعنون یکی از شما هم تعصبی بکنند و وجدانم قسم من حمایت میکنم چون تمصب صنفی دارم اول من باید پارلمان را نگاهدارم دولت ما می آید و میرونند آخر شما را بخدا به تمصب صنفی نمایند گیتان بر نیخورده که يك نخست وزیری بیاید شما این حرف را بزنند (خطاب به آقای رفیع) آقای رفیع سفید شما بر نیخورده که بیاید بگویند من بیروم جلوی مجلس حرفم را می زنم یعنی شما را داخل آده نمیدانم آن وقت ما باو رای می دهیم وای بر ما من شجاعت میکشم بر استی آقایان ایشان این کلام نیست به این قبله حاجات این کار دست لغت و وزیر نمی تواند بشود این آدم تمام عمرش را مفتی باشی کرده عوام قریبی کرده او که نمی تواند لغت و وزیر بشود خوب اگر خودش نمی خواهد بفرمده شماها چرا نمیفرماید این کار هایش است به بیند آسمان و در سانس مثل سایر گزارش هایش بهم بیاند آقای امامی اماری هم بگویند احسنت آقای مرتضی زاده هم اینجا ایراز شاشت بکنند کارهای مملکت هم

درست میشود به یه به یه بچها فنشک است ، کستان است من فردا از اهر و کپل میروم کور ریز اهر کور یازد آئی کالت (امامی) اماری ، آقای جمال امامی پنجم مثل جناب عالی زیاد علاقه ای بو کستان نداروی اینطور تشعشع دادم که این مردم مکنگزار است و تالش دارم از ایشان حمایت میکنم) کفانی السابق انشاء الله خدمتگذار است (امامی اماری - وقتی موافق شاهستم حرفم صحیح است ولی وقتی مخالف نظر شما عرض می کنم صحیح نیست) شخص شما را عرض نمی کنم عموماً تائه ای را که سینه درونی می کنند انشاء الله اجر شما مانند الله و ندا لیثوا محفوظ با اندا که محفوظانند یعنی بی انصافی است گو اینکه من این را بی انصاف تر از این میشناسم (نخنده نمایندگان) چون من که او را نخست وزیر کردم منکته پنجاه در صد وجه اش بدست من بوده یا من این رفتار را کرده شما که کاری نکردید شما که بجز يك احسنت چیزی نگفتید حالا شما را انشاء الله سال و یک مای می کنند ولی اگر این عمل شد در دوره آینده این حرف هائی را که من دارم حالا بایشان می زنم همینها خواهند گفت آقای دکتر مصدق آنروز من توی خواهم کرد که چه نا جوانتر دهائی کردند

نایب رئیس - آقای جمال امامی چند تنی خواهید صحبت بکنند؟ الان نزدیک نیم ساعت است .

جمال امامی - مگر خوبی دارد؟ این جا مگر آقای نخست وزیر وقتی تشریف می آورند نمی برسید که چند صحبت می کنید؟

نایب رئیس - آقای شما میفرمایید بصحبت بکنید برای انطق وزراء نظام نامه جدید معین نکرده

جمال امامی - معین میفرمائید ؟

عده ای از نمایندگان - قبل از دستور است .

جمال امامی - قبل از دستور نیست قبلا شما گفتید که آقای نخست وزیر صحبت بکنند اما جواب همی بولی آقای نخست وزیر گفته که ما حرف نمیزانیم ما بزرگواریم بیروم جلوی مجلس حرفم را می زنم یعنی شما را داخل آده نمیدانم آن وقت ما باو رای می دهیم وای بر ما من شجاعت میکشم بر استی آقایان ایشان این کلام نیست به این قبله حاجات این کار دست لغت و وزیر نمی تواند بشود این آدم تمام عمرش را مفتی باشی کرده عوام قریبی کرده او که نمی تواند لغت و وزیر بشود خوب اگر خودش نمی خواهد بفرمده شماها چرا نمیفرماید این کار هایش است به بیند آسمان و در سانس مثل سایر گزارش هایش بهم بیاند آقای امامی اماری هم بگویند احسنت آقای مرتضی زاده هم اینجا ایراز شاشت بکنند کارهای مملکت هم

و صورت را به خواست خودم اصلاحی که کردند ترس است .

نایب رئیس - آقای مرتضی زاده را تشکيل جلسه محتاج تا بلو نبوده است اگر عدمه گمانی نبود میشد مذاکرات را اواز داد برای اینکه این جلسه دنباله جلسه پیش است موضوع تا بلو معذب دیگر است آقای دکتر چندی هم با از آنجا فرمودند که بخوانند آخر

جمال امامی - چرا کردید اینکار زشت را ؟

نایب رئیس - عرض کردم این دنیا به جلسه پیش است تغییر تا بلو مطلب دیگری است .

جمال امامی - بفرمایید آقایان آدم کار زشت را که محضاً لاله نمی کند اگر استفاده نکردید بد تر ، اگر استفاده می کردید باز خوب بودی گفتم کار زشتی برای استفاده کردند استفاده نکردید به بنر ، جناب آقای دکتر مصدق بخدا بیعت می یز من دشمن شما نیستم باشما سابق دشمنی ندارم بلکه سوابق دوستی داشتم هر وقت بنده چیزی بنظرم آمده بشاهد خودتان اگر انصاف داشته باشید بشما عرض کرده ام ولی مملکت را بیش از شما دوست دارم نمی توانم دوست نداشته باشم چون شرافت من ناموس من زندگی من استخوانهای پستان من در این حالت من نمی توانم شما را پیش از مملکت دوست داشته باشم و برای العین می بینم در حکومت شما بالذامه زمامداری چنانچه ای این مملکت رو با تراض می رود واه ، یا الله ، بخدا ، طرفداران شما هم عقیده شان این است؛ تمصیباً نمی توانند بگویند آمده اند که بگویند بدبختها می ترسند بآنها بگویند ناجوانمردی کردید و حال آنکه اینجا مورده است ناجوانمردی نیست پای مملکت در ممانعت و بکر صحبت ناجوانمردی نیست بکلمه ای منافعی دارند ولی بکلمه ای هم که صحبت منافع نیست می دانم که می ترسند ولی آقایان برای مملکت همه چیز را میشود وزیر یا گذاشت ما نمی توانیم يك دولت مضری را برای اینکه روز اول گفتیم باو هستیم برای تمصب که منادم بخیر اگر برای مملکت مضرت است نباید نگاهداریم اینها شما نباید بکنید شما که نمایندگان من هستید فتح و مغرور مملکت را شماها باید تشخیص بدید تا کجا می خواهید بروید؟ چینی خواهید ؟ چه داریم دیگر؟ چه باقی میماند هی توی مردم می زنید؟ من پنجاه رفته اینجا گفتم آقا ما که توی سرم می زنی زدم سومی می برد این درد من شماها است شما که طرفدارید در درد شانه می کشی آنها را که بیرون بگوش من می گویند آنها را می گویم؟ اینها درد دل طرفداران دولت است اسم نمی برم تمام پنجاه لغت معناد در صد از طرفدار

من با ایشان صحبت می کنم می خواهم يك قوری بفرمائیم بولداد پندهای سر کرده را آوردید روزنامه نگار کردید که بما فحش بدند (فاسم فولاد) پنده مرده شوزاین و کالت را برد) آنها را روزنامه نگار کردید برای این که بما فحش ناموس بدند این يك امری است ولی معاون نخست وزیر فحش نمی فرماید من در ارکان دولت هستم به آقایان بول بفرماید دیگر در قلموس فحش هم چیزی نمائند که نگویند دیگر زندان در بیارید تا سوابق او را بگویند) اگر آقای دکتر بشارتی فحش بدند دکتر است پس يك شخصی است با ما هم طارست او هم فحش زنده نباید بدند خوب حالامی گویم و کيل است آزاد است ولی توجه می کنی ؟ تو دولتی تو برای این هستی که نگذاری بین فحش بدند تو خودت فحش می دهی فر دادم می خوانم و کيل تهران بشود معاون لغت و وزیر است فحش هم می دهد نمی دانم مردم این را بفرستند این جا که چکار بکنند (صفائی- بخود لغت و وزیر هم فحش بدند) آن که محقق است معلوم است من اینجا تضمین می کنم سابق داده لاحق هم خواهد داد (بیراسته) - راجع بر دم بگویند) راجع بر دم چه بگویم مگر مردم بهتر از من و شما نمی دانند مگر این نمایندگان نمی دانند که در این مملکت چه اوضاعی است ؟ و چه آتشی افروخته شده ؟ و دکتر مصدق با این پانته می خواهد چکار بکنند؟ نمی دانند اینها را چه بگویم که شماها نمائید . چه کسی هست در این مجلس که نداند حتی این آقای ناجوانمرد باشد تا اکنون هم يك کلمه در ناره او چیزی نگفتم کلمه ای بر علیه او متعرض نشده ام پنجاه شماره را می آورم این جا پن جاسوس اجنبی گفته این ، این حسین فاطمی بین جمال امامی جاسوس اجنبی می گویند این با آن سوابق این معاون شما این آقا رفیق شهبان بی معی ، شرم حضور نیست الله کبر شرافت گرفته شرف رفته فحاش حرفه ناجوانمردی رفته همه چیز در این مملکت رفته آن ولی بکلمه ای هم که صحبت منافع نیست می دانم که می ترسند ولی آقایان برای مملکت همه چیز را میشود وزیر یا گذاشت ما نمی توانیم يك دولت مضری را برای اینکه روز اول گفتیم باو هستیم برای تمصب که منادم بخیر اگر برای مملکت مضرت است نباید نگاهداریم اینها شما نباید بکنید شما که نمایندگان من هستید فتح و مغرور مملکت را شماها باید تشخیص بدید تا کجا می خواهید بروید؟ چینی خواهید ؟ چه داریم دیگر؟ چه باقی میماند هی توی مردم می زنید؟ من پنجاه رفته اینجا گفتم آقا ما که توی سرم می زنی زدم سومی می برد این درد من شماها است شما که طرفدارید در درد شانه می کشی آنها را که بیرون بگوش من می گویند آنها را می گویم؟ اینها درد دل طرفداران دولت است اسم نمی برم تمام پنجاه لغت معناد در صد از طرفدار

نظمی روزنامه در بیارند در وزارت کوحه بین فحش بدند آخر در گجای دیار بیرون است این چه طرز معاونی است این چه طوری مملکتی است این چه طوری سک داری است؟ این چه طوری دهنم زده ای است ؟ آخر فحاشی جز از اجزای می دهد که بکنند ؟ افلاغ می ستینم فحش بدید شما که بیست تا روز نامه دارید به آقایان بول بفرماید دیگر در قلموس فحش هم چیزی نمائند که نگویند دیگر این را چرا وادار می کنید که فحش بده افلا ظاهر را حفظ بکنید فحاش می دهی دارد (آقای فولادوند جهت انطق بطرف تریبون می آمده)

نایب رئیس - آقای فولادوند تأمل بفرمائید اجازه بدید بعد بیاید حالا بفرمائید

پیراسته - بعد نوبت بنده است .

شو شتری - بعد هم بنده

قاسم فولادوند - بنده در کابینه جناب آقای دکتر مصدق که همیشه ایشان احترام می گذاشتم هیچ کلمه ای یا تمام فحاشی هائی که به قایل من به پدر من که در این تهران برای آزادی کلمه خورد و حق نکرفت و رفت در خانه اش مرد نگفتم فحش زن و ناموس بمن دادند در حکومت این جناب پیشوا که من در تمام لوایح نقش و سایر لوایحش رأی دادم من خاطر ایشان بکابینه مرحوم رزم آراه شریف که رئیس انجمن بود آن ختمتی که از دستم بر می آید به این مرد طرفدارانش کردم این طور هست یا نیست جناب آقای حکیم الدوله این جزائی است که من می گویم که فحش پدر بخورم چاقو کشهای ایشان من و برادرش را چنان تهدید می کنند که قادر به بیرون آمدن از خانه نیایم ما چه کردیم ؟ در این مملکت مال کسی را خوردیم ما ۳ برادریم چهار نفره و انتصاب آنها برای ما مشکوک و مردم بود اهمیت شما را می با اعتماد معصوم شوش گشور را بدست ایشان سپردیم . در آن موقع ملت ایران از آقای دکتر مصدق و انتظار داشت که یکی حل موضوع فقط به دیگری بسط حکومت پارلمانی و اعتلاء سن مشروطیت و آزادی فتم و بیان و حق ائتلاف بود پانمان کفرانیکه مکرر در مکرر اشاره از ایشان کرده و بی رحمت باسلاف خود بنوران انحراف از این اصول ناخنه و منجم فین از این اصول واقیه کنندگان بر علیه استقلال کشور شمرده بودند . حال از اساحت مقدس مجلس شورای ملی اجازه می خواهم به تجزیه و تحلیل اندکی از آن چه بدست آقای دکتر مصدق تحقق پذیرفته است بپردازم

این طور آزادی شما را از بین ببرند ممکن است حالا که ما در صب افلاست هستیم اول از بین برید بولی شما نوبت شما هم شواهد برید و تجزیه هم خود بخوانند سید

آقایان معتزله آنچه اینجانب را بهمسکازید با افلاط مجلس شورای ملی و تعصن در این مکان مقدس را داشته است و بی ربط با امور خصوصی نیست زیرا برای من هم مانند جمع زیادی از همکاران اشکالی نیست انجمن که موضوعات اصولی را فراموش کرده و از دولت حاضر یا از پهلوان زنده ای طرف داری نگویم هر گوید دستانی متوجه است که وقتی کسی تقاضای ضعف یا حسن جاه طلبی یا آرزوی اشتغال مقامات و مناسبت را داشت نباید خود را در معرض حمله و تعرض طرفداران دولت که اینک تمام دستکانه تبلیغاتی و قدرت کشور را در انحصار خود دارند قرار دهد تا نهایت بی انصافی و بدون رعایت ابتدائی ترین رسوم تراکت با حق ایرانی او را آماج فحاشی و هناک هائی قرار دهند که بیش تر ترین طبقات يك جامعه هم مذموم و مردود است پس هدف ما از مخالفت باوضع حاضر چیزی مقدس تر و بالاتر از نظریات خصوصی و تحصیل مقام و کالت است که با تمام و جایبوسی دیگران در صدد کسب آن هستند

آقایان محترم روزیکه آقای دکتر مصدق که خود را قریب ۵۰ سال فرمان آزادی و طرف دار مبارزه با زور و قلندری معرفی کرده بودند داوطلب زمامداری شدند ماهه يك در يك زبان از ایشان پشتیبانی کردیم زیرا او را از طرفی مدافع سر سخت مصالح مین عزیز واز طرفی هوادار آزادی و حریت که از بزرگترین نعم الهی است تشخیص داده بودیم و چون آقای دکتر مصدق راهم طراز مرحوم مستوفی الاملاک و مشیر الدوله و مستوفی الملک و شیفته دفاع از سن پارلمانی می دانستیم حتی بحضور عناصریکه کبریت اشعار و ارتقاء وانتخاب آنها برای ما مشکوک و مردم بود اهمیت شما را می با اعتماد معصوم شوش گشور را بدست ایشان سپردیم . در آن موقع ملت ایران از آقای دکتر مصدق و انتظار داشت که یکی حل موضوع فقط به دیگری بسط حکومت پارلمانی و اعتلاء سن مشروطیت و آزادی فتم و بیان و حق ائتلاف بود پانمان کفرانیکه مکرر در مکرر اشاره از ایشان کرده و بی رحمت باسلاف خود بنوران انحراف از این اصول ناخنه و منجم فین از این اصول واقیه کنندگان بر علیه استقلال کشور شمرده بودند . حال از اساحت مقدس مجلس شورای ملی اجازه می خواهم به تجزیه و تحلیل اندکی از آن چه بدست آقای دکتر مصدق تحقق پذیرفته است بپردازم

از لحاظ موضوع فقط ، گرچه به نظر از مردم معتقدند تمام ملت ایران در ملی شرف شریک و سهیم بوده و هیچکس حق ندارد این عمل را بخود اختصاص دهد یا بجسی دیگر عقیده غارت که اوضاع و احوال جهان و رقابت دول بزرگ با لحاظ سوق الجیشی بما کمک فراوان کرد و به انحراف دست برد

فیش روح القدس از آنکاه مدد بنمایند دیگر این هم مکتب کتانیچه مسیحا میکرد ولی این جانب معتقد هستم که آنچه تا بحال شده از لحاظ مایت مالودش بزرگی دارد و آقای دکتر مصدق زن اول این بیروزی را بازی کرده اند

اما حجب مخالفت شخص اینجانب حکومت آقای دکتر رویه ایست که شخص ایشان و اطرافیان و طرفداران ایشان در مقابل مجلس شورای ملی و سن پارلمانی و آزادی و شرافت ما اعتقاد کرده زیرا از همان روزهای اول حکومت قلمی معلوم شد که بقصد آقای دکتر مصدق پارلمانی که باید احکام بر مقدرات کشور و ناظر بر جریان امور دولت باشد پارلمانی است گایشان در آن عضویت داشته باشند و دولت هائی که حق مداخله در وظایف قوه مقننه و اوقاب و تهدید و تحقیر نمایندگان و ملتها ندارد دولت های ساده و زور و رزم آراه هستند ولی هیچکس جناب ایشان در رأس دولت قرار گرفتند اصول مقدسی که با قربانی شدن هزاران افراد این کشور تحصیل مسلم شده است از اعتبار ساقط و بر خلاف منطق و مصاحت جامعه ایرانی است . حال معلوم است که وقتی نخست وزیر رئیس هیئت حاکمه نمایندگان ملت و همکاران دیروز خود را مورد تعقیب و اذیت قرار دادند و آوایش با سوء استفاده از دستک تبلیغاتی دولت و تبلیغاتی که همین منظور از مدتی قبل برای آنها فراهم شده است به پیشرفت شرافت اشخاص ناخنه و به هیچ چیز آنها اذیت نخواهند کرد و در این شرایط است که اشخاص مشکوک و مردم گسائی امثال اینجانب را که خون پدران آنها برای حفظ حدود و ثنور این کشور ریخته شده است باید مین فروش و بیگانه ترست بخواهند و ناخواندانه و پاننگاه دست در دولت و نظر آقایان دولت رها را معکوس جلوده داده و اشخاص نيک نام را بچن کشیده و افکار و آزادی را از بین برده نموده تا بتوانند نیت و مقاصد خود را انجام دهند

امروز این آقای بی راسته تمنی کرد منزلی پیشبند آقای تیم زتنش بودند که تمنی می کرد بخواهد اش که از منزل بیرون بروند یکی از اقوامش برای این که ممکن است این چاقو کش های دولتی حالا که ایشان در مجلس متعصن هستند بیایند پسران بچه های ایشان این است مملکت ؟

این است معنی امنیت و این است حقیقت آزادی آری مدتی معکوس گردد کارها دزددار شده را بردار ها آقایان محترم حقیقت ممکن است برای مدتی معکوم باشد ولی برای همیشه معکوم نخواهد ماند و آفتاب حقیقت از پشت پرده سالوس وریا تجلی خواهد کرد آن وقت است که بقول لسان العذب

بیا که چنگ بگوشم آن حکایتها که از نهنق آن دیدک سینه می زند جوش آقایان محترم آقای دکتر مصدق اینک در صدر اجراء انتخابات دوره ۱۷ مجلس شورای ملی هستند بقراری کسوف کویان دولت ایشان بنام دنیا اعلام میکنند تصمیم دارند اعمال دولت را از مذاخله در امر انتخابات منوع و بپردازند که آزادی و مصلحتی خود را انتخاب کنند ولی این جانب از هموم مردم فهیم مشغول شرافتمندانه دعوی کند عناصری که قدرت حکومت و خود دکتر مصدق را در دست دارند و سلسله جنیان وفاپی بودند که یک میلیون جمعیت بیدار و روشن فکر پایتخت در روز چهاردهم آذر به چشم خود دید اجازه خواهند داد که در فلان قصبه یا شهر دور افتاده مردم آراء خود را بصندوق بریزند ؟

انجام شود ملت ایران از هم اکنون میتواند به امدت این اصلاحات پی ببرد من که تا چنان دارم زیر بار این نوع حکومت وحشت و ترور و ارباب نخواستارم رفت با عدولت ماورین دولتی را در آذر آقایان دیده و شنیده اند بنده برای نمونه شرح حال يك مرد بیچاره را که برضه ای هم توسط من بمقام ریاست نوشته است عرض نموده و عراضم را خانه می دهد **نایب رئیس** آقای فولادوند وقت شاتمام شد **قاسم فولادوند** اجازه بفرمائید عرض یکمی از کتابها و تالیفات خیابان امیریه است بنام سنجری که این تمام سرمایه اش که بدهی هزار تومان نرسید غارت شده و از بین رفته عریضه ای نوشته و خواهش کرده است بنده در این جا بخوانم من چند شب که در می شدم دیدم این مرد و عائله اش بچه های روی زمین نشته اند هر چه داشت سوزانده اند با چهار پانچ بچه بیچاره شده است من آن شب بیست تومان باو دادم که افلا عائله اش از گرسنگی نبرد و چون اجازه نمی دهید که عین عریضه اش خوانده شود تقدیم مقام ریاست می کنم این است آزادی . **پیراسته** - جناب آقای گنجینه نوبت بنده است **نایب رئیس** - نوبت شمارا آقای جمال امامی استفاده کردند **پیراسته** - تغییر بنده ندادم **جمال امامی** - من نوبت ایشان را نگرفتم آقای نخست وزیر گفتند اگر حرفی دادید بگویند من صحبت کردم **نایب رئیس** - بفرمائید **پیراسته** - برای بنده فوق العاده اسباب تاسف است که با ازاد چند ساعته ای که با آقای دکتر مصدق و قایل ایشان دارم امروز بیایم و با دولتی که ایشان در رأس آنست مخالفت بکنم ولی آقایان محترم آقای دکتر مصدق و قایل ایشان هزارها امثال ایشان و میلیونها امثال بنده باید فدای مملکت بشوند نه مملکت فدای افراد ، بنابراین من آنچه بنظر می رسد با توجه باینکه وقت کافی نیست و آقایان هم چون وقت گذشته است و ممکن است گرسنه باشند و نخواستند که بهر رض بنده توجه بکنند با اختصار رموس مطالبی را که مورد نظر بنده است بعرض آقایان میرسانم این روزها همه که ناظر وضع آزادی در ایران می باشیم می بینیم با مردم ستم دیده و محروم از همه چیز این مملکت چگونه رفتار می کنند مصادف با روز تصویب اعلامیه حقوق بشر از طرف سازمان ملل متحد است که کشور ما نیز یکی از اعضای آن بشمار میرود . **اقدامات مجلس شورای ملی**

بشر عبارت است از آزادی فسردي و اجتنامی و بیان عقیده و قلم در حدود قوانین و بهره مندی از حمایت قانون و تشکلات دولتی بتساوی برای همه افراد که متأسفانه در ایران در وضع حاضر همه حتی نمایندگان مجلس کواشتمین قانون و ناظر امور مملکت هستند از آن بکلی بهره مند هستند و بطوری که آقایان مردانید ما در وضعی فرار گرفته ایم که از ابتدائی ترین حقوق بشریت محروم شده ایم .

بنده در قاموس فارسی لغتی سراغ ندارم که بتوان اوضاع کشور و وضع حادته ۱۴ آذر را بوسیله آن تشریح کرد قریب بهشت ماه است که دولت فعلی تشکیل شده و روزی که زمام امور را در دست گرفت به مجلسین مردم وعده داد که ظرف چند روز دست کمینائی سابق غاصب نفت جنوب را از دامن ایران کوتاه و روزی سیصد هزار لیره منافع آن را عاید خزانه دولت و ملت خواهد کرد مجلسین به این امید به اتفاق آراء بدولت رأی اعتماد داد و مردم هم که مدت نیم قرن از مطالب دول استعماری به جان آمده اند با جان و دل و با احساسات بی سابقه دولت را در این موضوع تأیید کردند .

یس از آنکه بجای چند روز ضرب الاجلی که تعیین کرده بود و صریحاً در مجلس بشنایدگان و مردم وعده داده بود گذشت و گذشته از آنکه خبری از عاید کردن روزی سیصد هزار لیره موعود بخزانه مملکت نشد عده ای همچون چاپاول کران که فرصت کافی برای غارت ندارند بی معاوضت تجاوز و تعدی نسبت به بیت المال کشور گشودند و خود را زیر سیر نفت پنهان ساختند و از بودجه دولت و تروتهای هنگفت باد آورده چند روز زمامداری خود چند نفر بد سابقه تراز خود را اجیر کرده و با انتشار اوراقي بنام نویسندهگان و بانیان و حامیان این اوراقي است تثار کسانی کردند که باین روش درصدد اعتراض بر آمدند و گفتند نقشه شما چیست و مملکت را می خواهید بکجا ببرید .

در تمام این مدت نمایندگان اقلیت که بحکم وظیفه نمایندگان و بیاس سوگندی که بقرآن مجید برای حفظ منافع ملت ایران یاد کرده اند نمی توانستند ناظر این جریانات مملکت بر باد باشند و همین نویسندهگان جریای بکه شرافت نویسنده گی خود را از دست نداده و باجاه و مال و مقام از جاده حقیقت جوئی منحرف نشده اند همواره از طرف اجامرو او باش و چاقو کشهای قلمی و غیر قلمی دولت تهدید می شدند هنگامی که موضوع ارجاع فضیه نفت ایران بشورای امنیت پیش آمد

نمایندگان اقلیت و مجلسین جریای مخالف برای اینکه تا هنگامیکه دولت در خارج بعنوان دفاع از حقوق ملت ایران مشغول است فریاد خاطر داشته باشد و باوجود مشاهده هزاران عمل خلاف قانون دولت اعلام سکوت و موافقت موافقتی با دولت کردند دولت رفت و بطوری که همه میدانید میدانند .

بدون انجام کوچکترین کاری بدست آوردن جزئی ترین موفقیتی مراجع کرد (حاضر برزاده - این دیگر بی انصافی است) حالا عرض میکنم و بعد بجای آنکه بیایند جوانراندان مردم را در جریان حقایق امور بگذارند بازهم به اغفال و سرعت افکار عمومی پرداخت باسازود و طبل و نقاره جبران عدم موفقیت خود را بکنند ولی چون همه را شد و ماسکها کنار رفت مردم فهمیدند که مدت ۸ ماه اغفال شده و گول خورده بودند این بود که از هر طرف زبان بانتقاد و اعتراض بلند شد شاید آقای نخست وزیر هم قصد کناره گیری داشتند ولی عده ای هوشی که در اینست زیر عنوان فریبده وریا کارانه از هیچ بهمه چیز رسیده اند مانع این کار شدند و چون دیگر یاد دواغ پردازی را دیو و هو و جنجال روزی نامه های اجیر و تهدید های فردی نتوانستند نفس هارا در سینه ها خفه کنند ، باز مردم را در بی خبری و اغفال نگاهدارند دست به يك کار بی سابقه و واقعاً عجیبی زدند که تصور آنهم برای هیچکس در هیچ دولتی امکان نداشت و آن واقعه روز پنجشنبه ۱۴ آذر بود در این روز اهالی تهران ناظر وضع فجیمی بودند مردم دیدند که یکدسته از چاقو کشان و اشرار معروف تهران که تنها مرجع جلو گیری از آنان قاعداً باید قوای دولتی باشد تحت حمایت و ارشاد و کمک مسکابو نهائی ملو ازیلیس مسلح بغارت و چپاول ادارات جریای وحشی دکاکین پرداخته اند .

آقایان محترم ! روز پنج شنبه ۱۴ آذر در پایتخت در بای تخت که این کارها را بکنند در جاهای دیگر چه می کنند در پایتخت کجور شاهنشاهی با حضور مجلسین و تم مراجع قانونی دیگر روز روشن پلیس دولت حاضر مردم را غارت کرده و ادارات جرائد و محلهای دیگر را آتش زده و سرمایه نویسندگان فاضل و شجاع را با غارت برده اند چون دوروز قبل از این حادثه محل روزنامه صبا بتبیر سخته شده بود و آنها اطلاع نداشتند وقتی بمحل سابق هجوم آوردند برای این که این چاقو کشان که بزعم اعلامیه و مال و مقام از جاده حقیقت جوئی منحرف و شهربانی اهالی شرافتمند تهران بوده اند دست خالی بر نگرند سرمایه يك خیاط بدبخت را که در آن محل سکنی گزیده بود بیهنا بردند و در محل اداره روزنامه طلوع

شدیدم خواستند باین عمل وحشیانه عنوان مبارزه با عناصر چپ بدهند در این مورد با غضب و خشم عمومی مواجه شدند زیرا تمام مخالفین عناصر چپ و از جمله بنده نمی توانیم تجویز کنیم که این نوع وحشیانه بامردم رفتار شود اگر فعالیت عناصر چپ را دولت مطابق قانون می داند چرا مزاحم آنها می شود و اگر خلاف قانون است چرا از طریق قضایای معتبره با آنها برخورد کند و اگر خلاف قانون است چرا از طریق مجرای طرف عمال دولتی که برای امثال با هم می کند طعمه حریق قرار گرفته است بعد از این اراذل و اوباش بمدارس دخترانه حملور شده و دختران معصوم مردم را مورد ضرب و جرح قرار دادند و شرم دارم که بگویم با دوشیزگان و ناموس مردم در مقابل چشم همه عابرین و مردم چه جناب می مرتکب شده اند (نایب رئیس - همچو چیزهایی نیست ناموس ملی را خدشدار نکند این هارا چرا می گویند ؟) کرده اند آقا کرده اند شما اجازه بدهید بنده حرم را بزمن بعد خود دولت بیاید تکذیب بکنند شما چرا گامه از آتش داغتر شده اید اجر شما هم محفوظ است در محل يك روزنامه که خانه شخصی مدیر آنهم بود طفل ۱۲ ساله مدیر روزنامه را جلوی چشم مادرش از پنجره عمارت دو طبقه بیانین پرت کرده اند و مادر بدبخت باردارش در حال نزاع است خلاصه کارهایی را که باید نمونه آن را در تاریخ منقول و حمله تیمور لنگ جستجو کرد مرتکب شده اند چون همه آقایان و همه مردم تهران شاهد این فجایع بوده اند بیش از این در این مورد مرضی نمی کنم و بذکر جمله تاریخی که هنگام حمله منقول و قتل عام نیشابور یکی از فراریان در جواب سؤال دیگری که از طرز رفتار منقول در نیشابور جو بیاشته بود گفته آمدند و گفتند و سوختند بردند یکجمله هم خودم اضافه می کنم فاتحه مشروطیت و آزادی را خواندند منظره حال دولت از این عمل این بود که بکلی نفس هارا در سینه ها حبس کنند و مردم و نمایندگان را محروم سازند که دیگر احدی را یاری دم در آوردن نباشد و آنها آزادانه چپاول و دزدی بیت المال مشغول و انتقابات را انجام دهند اما متأسفانه در این مورد اشتباه کرده و این عمل بکلی برده و نوزیر آنها را در دیده و بمنزله زنک خطری برای مردم بود و همه را یکمرتبه بیدار کرد و بجان آورد بیدار کرد دولت بدهد بدوست نتیجه معکوس گرفتند در صدد چهاره جوئی بر آمدند و بلا فاصله از طرف دولت باعدی را جریای غارت شده تماس گرفته شد و این پیشنهاد ابلهانه با بخت استهزا آمیز از طرف نویسندگان که هادی افکار مردم و مدافع آزادی و مشروطیت هستند رد

نداشته بطور باتمام قوای پلیس در ظرف ۱۲ ساعت پلیس نتوانسته از جمعی غارتگر که عده آنها از یکصد نفر تجاوز نمی کرده است و در تمام این ساعات مشغول غارت بوده اند جلو گیری کند بهیچ وجه معقول نیست

۴ - شهبان جعفری معروف (بی مخ) که فرماندهی چاقو کشان مهاجم را داشته طبق حکمی که جناب آقای جمال امامی در جلسه گذشته رونوشت آن را قرائت فرمودند از مستخدمین شهربانی است و نیز سایر مستخدمین رسمی شهربانی در رأس قوای مهاجم بوده اند ۵ - عسکری که از شبان بی مخ با معاون بسیار محترم نخست وزیر برداشته شده در روزنامه آتش چاپ شده است همکاری این عنصر شریف را برسانند ۶ - مشاهدات هزاران نفر مردم تهرانی که چشم دیده اند پلیس بامردم چه کرده است و استشهادهای که از مردم تهیه شده است در دست است من مردم شرافتمند تهران را مضطرب قراردادده می گویم شما همه چشم دیدید که عمال دولت با مردم چه کردند و حالا هم می شنوید و می خوانید چه می گویند .

ممکن است بعضی از مردم ولایات این حرف های دولتی را باور کنند ولی شما مردم تهران چگونه قضاوت می کنید ؟ شما مردم تهران این اعمال دولت را با گفتار شایسته قیاس کنید و از آن می توانید بسایر اعمال و کردار دولت و وعدهها و ادعا های آنها پی ببرید مردم تهران این دولتی ها همان کسانی هستند که وقتی يك مدیر روزنامه در کرمانشاه مدعی شده که استادان وقت باو يك سبلی زده است دیدید چه مشعری بر پا کردند و چگونه اشک ترحم برای آزادی و مشروطیت می ریختند این عکس را روزنامه آتش چاپ کرده در طلوع هم چاپ شده ملاحظه کنید که همکاری آقایان را میرساند بفرمائید حضرت عالی هم آقای دکتر فاطمی ببینید عکس خودتان هست یا نه ؟

۲ - ارتباط پلیس های مهاجم با مراکز شهربانی بوسیله دستکاهای مخصوص شهربانی بوده که در رادیو تهران شنیده شده است نهایتاً چون صبح و ساعت خاموشی رادیو تهران بوده پلیس تصور نمی کرد کسی بشنود و حال آنکه چند نفر که رادیو را تصادفاً در آن ساعت برای گرفتن ایستگاههای دیگر گرفته بودند شنیده بودند که مرتب از طرف قوای مهاجم بمراکز پلیس گزارش داده می شده است که غارت فلان محل تمام و اینک هازم محل دیگر می باشیم .

۳ - در تمام روز پنجشنبه از صبح تا نیمه شب عمل غارت ادامه داشته که اینک روز نامه های آتش و طلوع و فرمان و سیاسی و بعضی جرائد دیگر صبح غارت شده اند و روزنامه جانیساران و زلزله شب و اگر ابلهی تصور کند که دولت دخالت

ملاوه بر غارت آن روزنامه دفترخانه اسناد رسمی ۱۴ و کمیائی شرق میانه مورد غارت قرار گرفته و دفتر پارسای تویسرکانی که مرد نویسنده و قاضی است و در هیچ دسته سیاسی نیست مورد چپاول قرار گرفته و سرمایه معتصر او را که حاصل يك عمر دسترنج نویسنده گی بوده است برده اند و در خیابان امیریه هنگام غارت و آتش زدن کتابخانه ای بزرگترین کتاب مقدس آسمانی را یعنی کلام الله مجید از طرف عمال دولتی که برای اغفال مردم خود را طرفدارین حنیف اسلام معرفی می کند طعمه حریق قرار گرفته است بعد از این اراذل و اوباش بمدارس دخترانه حملور شده و دختران معصوم مردم را مورد ضرب و جرح قرار دادند و شرم دارم که بگویم با دوشیزگان و ناموس مردم در مقابل چشم همه عابرین و مردم چه جناب می مرتکب شده اند (نایب رئیس - همچو چیزهایی نیست ناموس ملی را خدشدار نکند این هارا چرا می گویند ؟) کرده اند آقا کرده اند شما اجازه بدهید بنده حرم را بزمن بعد خود دولت بیاید تکذیب بکنند شما چرا گامه از آتش داغتر شده اید اجر شما هم محفوظ است در محل يك روزنامه که خانه شخصی مدیر آنهم بود طفل ۱۲ ساله مدیر روزنامه را جلوی چشم مادرش از پنجره عمارت دو طبقه بیانین پرت کرده اند و مادر بدبخت باردارش در حال نزاع است خلاصه کارهایی را که باید نمونه آن را در تاریخ منقول و حمله تیمور لنگ جستجو کرد مرتکب شده اند چون همه آقایان و همه مردم تهران شاهد این فجایع بوده اند بیش از این در این مورد مرضی نمی کنم و بذکر جمله تاریخی که هنگام حمله منقول و قتل عام نیشابور یکی از فراریان در جواب سؤال دیگری که از طرز رفتار منقول در نیشابور جو بیاشته بود گفته آمدند و گفتند و سوختند بردند یکجمله هم خودم اضافه می کنم فاتحه مشروطیت و آزادی را خواندند منظره حال دولت از این عمل این بود که بکلی نفس هارا در سینه ها حبس کنند و مردم و نمایندگان را محروم سازند که دیگر احدی را یاری دم در آوردن نباشد و آنها آزادانه چپاول و دزدی بیت المال مشغول و انتقابات را انجام دهند اما متأسفانه در این مورد اشتباه کرده و این عمل بکلی برده و نوزیر آنها را در دیده و بمنزله زنک خطری برای مردم بود و همه را یکمرتبه بیدار کرد و بجان آورد بیدار کرد دولت بدهد بدوست نتیجه معکوس گرفتند در صدد چهاره جوئی بر آمدند و بلا فاصله از طرف دولت باعدی را جریای غارت شده تماس گرفته شد و این پیشنهاد ابلهانه با بخت استهزا آمیز از طرف نویسندگان که هادی افکار مردم و مدافع آزادی و مشروطیت هستند رد

نداشته بطور باتمام قوای پلیس در ظرف ۱۲ ساعت پلیس نتوانسته از جمعی غارتگر که عده آنها از یکصد نفر تجاوز نمی کرده است و در تمام این ساعات مشغول غارت بوده اند جلو گیری کند بهیچ وجه معقول نیست

۴ - شهبان جعفری معروف (بی مخ) که فرماندهی چاقو کشان مهاجم را داشته طبق حکمی که جناب آقای جمال امامی در جلسه گذشته رونوشت آن را قرائت فرمودند از مستخدمین شهربانی است و نیز سایر مستخدمین رسمی شهربانی در رأس قوای مهاجم بوده اند ۵ - عسکری که از شبان بی مخ با معاون بسیار محترم نخست وزیر برداشته شده در روزنامه آتش چاپ شده است همکاری این عنصر شریف را برسانند ۶ - مشاهدات هزاران نفر مردم تهرانی که چشم دیده اند پلیس بامردم چه کرده است و استشهادهای که از مردم تهیه شده است در دست است من مردم شرافتمند تهران را مضطرب قراردادده می گویم شما همه چشم دیدید که عمال دولت با مردم چه کردند و حالا هم می شنوید و می خوانید چه می گویند .

ممکن است بعضی از مردم ولایات این حرف های دولتی را باور کنند ولی شما مردم تهران چگونه قضاوت می کنید ؟ شما مردم تهران این اعمال دولت را با گفتار شایسته قیاس کنید و از آن می توانید بسایر اعمال و کردار دولت و وعدهها و ادعا های آنها پی ببرید مردم تهران این دولتی ها همان کسانی هستند که وقتی يك مدیر روزنامه در کرمانشاه مدعی شده که استادان وقت باو يك سبلی زده است دیدید چه مشعری بر پا کردند و چگونه اشک ترحم برای آزادی و مشروطیت می ریختند این عکس را روزنامه آتش چاپ کرده در طلوع هم چاپ شده ملاحظه کنید که همکاری آقایان را میرساند بفرمائید حضرت عالی هم آقای دکتر فاطمی ببینید عکس خودتان هست یا نه ؟

۲ - ارتباط پلیس های مهاجم با مراکز شهربانی بوسیله دستکاهای مخصوص شهربانی بوده که در رادیو تهران شنیده شده است نهایتاً چون صبح و ساعت خاموشی رادیو تهران بوده پلیس تصور نمی کرد کسی بشنود و حال آنکه چند نفر که رادیو را تصادفاً در آن ساعت برای گرفتن ایستگاههای دیگر گرفته بودند شنیده بودند که مرتب از طرف قوای مهاجم بمراکز پلیس گزارش داده می شده است که غارت فلان محل تمام و اینک هازم محل دیگر می باشیم .

می کنیم بفرمائید **پیراسته** - يك شهر میخواستند بمورخص می شود مولوی رومی می گویند: آن یکی پرسید اشتر را که می از کجا می آئی ای فرخنده بی گنت از حمام گرم کوی تو گفت خود پیدا است از زانوی تو این انتقابات آزاد که می گویند باین ساز و مدار و نقاره مقدمه اش همین است که کسی جرأت نکند از خانه اش بیرون بیاید در هر صورت ما میترسیم همانطوری که پیش بینی می کنند خدای نخواستده حال کینه کار کمیائی غاصب و دول استعماری ما را از فقر اقتصادی بزانو در بیاورند و با آنکه آنطوری که می گویند يك قسمت مملکت زبانم لال، خدای نکرده کمیونسیت بشود يك قسمت دیگرش را هم اینها ببرند آقایان براي مبارزه با يك امپراطوری که سالها در دنیا حکم کرده است باید نقشه داشت والا مبارزه با او و جنجال و میتینگ زنده باد و مرده باد نمی شود دیگر وقت تمام شد . **نایب رئیس** - سه نفر از آقایان صحبت کرده اند . **شوشری** - آن آفا که صحبت کرده بنا بر درخواست خود نخست وزیر بوده است، بنده باید صحبت را بکنم . **نایب رئیس** - بفرمائید **شوشری** - بسم الله الرحمن الرحیم انشاء الله از تیرا که بطوریکه تا بحال قاب و عادت بد بوده خارج نمی شوم و از استدلال و منطق پای بیرون نمی تهم این جمله را هم می گویم اگر آقایان تصور کنند که با قطع سیم رادیو از خارج و نگهدارن رسیدن نطق ما ها بخارج ممکن است نگذارند مردم از نطق ما مطلع شوند ما عمل دیگر خواهیم کرد (یکی از نمایندگان - با خاموش کردن برق) بدو علت تحسین نمایندگان اقلیت را معروض میدارم گرچه این بنده از نخستین روز بامزمامداری دکتر مصدق مخالف بوده و در برنامه ایشان مشروطاً علل مخالفت خود را در دسترس ملت ایران گذاردم و متدجرآ پیش بینی های حقیر را همه دارند مشاهده می فرمائید و تعجب می کنند بطور این بنده قبلاً این روزها را ببینید بمرویک قدری آب گرم بیاور تمام بدنم له شده آتشی فلورستین گذاشته ام بله درجلو مجلس حزب زحمتکش مشغول میتینگ دادن هستند و مشغول فحاشی هستند در مقابل مجلس با اینکه دولت مأمور امنیت است دارند اینطور می کنند الان برآم نوشت اند بفرمائید تا ما کینه چهل سال آشنائی بطرز فکر و سوابق ایشان آن پیش بینی ها را فراهم ساخت . آن روز نخواستم با دز پرده در می کنم امروز هم از

گذشته ایشان حرفی نبردم زیرا در تاریخ که مشغول نوشتن آنچه با عقول پس از معالمت اینجانب در اثر اعمال خلاف دولت آقای دکتر مصدق در آن زمان بود معسوم را موجه ساخت که روش ایشان کشور ایران را باشتکی ویران کند لذا کردم جمیع شده اقلیت بوجود آمد و انتقادات اصولی شروع شد. در نتیجه انتقادات دکتر اطرافانش برخوردند که بیانات نمایندگان اقلیت ممکن است مردم قریبی آنها را از هم بریزد و این دکان نفتی را که برای جلب توجه مردم ساده لوح باز کرده اند بسته کردد زیرا آقای دکتر مصدق چون میدانست ملت ایران بطور هجوم از مخدلات خارجی ها درامورد داخلی ایران در دو قرن اخیر ناراضی و عموماً منتظر فرصتند که وقت پیدا کنند و دست رد بپسند همتاها بزنند از این عدم رضایت دکتر با استفاده افتاد و مقاصد مزبور خود را از این راه بنای پیش بردن گذارد البته این اقدام او را می داشت یکی از لوازم این بود که انتقاد کنندگان خود را متهم بدوستی اجانب کرده آنها را با مزدور نفت یا اولاد انگلیسی بخوانند در روزنامه های دولتی که بعقیده بنده روزی نامه ها است از این راه آنچه توانستند بکار بردند تا آنجا که افراد ضعیفی را از میدان بدر کردند ولی خدای اسلام و ایران نمایندگان اقلیت را متوجه ساخت که در مقابل تمام فشارها قیام نموده استقامت ورزند و پیراهن مردم قریبی را از هم بدرند و نگذارند حقیقت زیر ابرطلعت وجهالت پنهان شود انتقادات اقلیت چون داشت به نتیجه میرسد دکتر مصدق اطرافانش نتمات دیگری ساز کرده به میتینگ و تلگرافات اغلب معمول پرداختند و واقعه تعطیل عمومی قبل از مسافرت برای ارباب مخالفین و مجلسیان بود آنروز بنده تصمیم گرفتم تا آخرین نفس بکوشم و جانم از بین بیرون رود از میدان حریف عقب نه نشینم این ها فهمیدند که من آنچه می گویم عملی کنم و نتیجه آن خیلی گران تمام خواهد شد شالوده خود را عوض کردند و موضوع مسافرت امریکارا پیش آوردند تا موقع را بدست آورده و آنوقت حسابها را برسدند در آنروز نمایندگان معسوم اقلیت از نظر وطنخواهی مصدق دیدند چون پای بیگانه درین است آقای دکتر مصدق را در ایام مسافرت انتقاد نکنند و منتظر نتیجه شوند چنانچه ایشان توفیقی بنفع ایران پیدا کنند از مجلس و داخل کسور ترزلی نداشته باشند و چنانچه بدخلوات ملت نتیجه ای حاصل نشد (آقای فرامرزی صحبت می کردند)

آقای فرامرزی اجازه فرمایند استعلام کنم (فرامرزی: بله) آقای دکتر مصدق (فرامرزی: اطاعت میکنم) معذورم مقام انتقاد برآیند تصمیم خود را اقلیت اعلام عملی نمود ایشان برای دفاع از حقوق ایران مأموریت یافتند در شورای امنیت حاضر شوند و جوار مدعی را بعد پس از اتمام شورای امنیت حجت این بود فوراً ایشان بر گردند اما من بدون هیچ مجوزی می رویم و چند روز دیگر در امریکا ماندم و از سر توقفشان نمایندگان مجلسین اطلاع صحیحی پیدا نکردند و اظهارات ایشان را متکی با در حجه نمیدانم پس از امریکا بمصر رفتم در صورتی که نه مجلسین و نه دولت ایشان راجع بان مسافرت اضیاز نظر ننموده پیش از این لازم بتذکر کار نیست آنچه مسافرت مردم را بدین رضایت کشانید که انرش در موقع ورود بروز کرد و بر خلاف آنچه را رادیو دولتی شهرت داد آن استقبال با زور و بیول و تهدید چند هزار نفری سرد بعد آمد همان موضوع سبب شد که باید مردم را بفکر تازه ای مشغول سازند و شاید این نظرها در امریکا پیدا کردند که موضوع انتخابات را پیش آورند و مردم را از فکر نفت منصرف نمایند در صورتی که آقای دکتر مکرر در مجلس خصوصی و سنا و مجلس شورای ملی وحشت خود را از مداخله در انتخابات اظهار و موکداً بطوریکه در صورت مجلس ها موجود است گفتند دولت من دولت انتخاباتی نیست و من آماده برای انتخابات نیستم لکن بعنوان مصدق روزی بتوان رعایت قانون در ورود به تهران اظهار کرد منم از فردا انتخابات را شروع میکنم هر چه در مجلس با ایشان گفتند شما باید رأی مجلس را محترم بشمارید قانع نشده و این سابقه عجیب را که با احترامی برای نمایندگان بود در تاریخ مشروطیت ایران گذاردند آن روز خود اینجا نشسته بودم گوش می کردم در همین حال بیاناتشان متناقض بود که تناقضگویی را در مجلس سنا اظهار کردند و پیشنهاد کردند که تاریخ شروع انتخابات را دوازدهم آذر قرار دهند این تناقضگویی ها و اعمال مزبور در نظر نمایندگان اقلیت بصورت معما جلوه گر شد و همه متوجه شدیم موضوع نفت کان لم یکن شده در همین حال های ایجاد شده در دولت ایشان حرفهای عجیبی بگوش رسید و میرسد که همه را باضطراب وحشت انداخت این معما چه وقت کشف شد شب دوازدهم آذر بیسیه های امریکا اطلاع دادند انتخابات عمومی مجلس ایران در سراسر آن کشور روز دوازدهم آغاز گردید همه فهمیدیم که در امریکا راجع بان انتخابات شاید بین آقای دکتر و کمیانی های نفتی که نمی خواهم کمکی های مادی آنها را در انتخابات دوره شانزدهم بگویم مذاکراتی بعمل آمده

زاین حدس موفقی قوت گرفت که در اخبار نازجه بصور گویا اکنون منعکس ساخته اگر آقای دکتر در امریات توفیقی حاصل نکنند ممکن است در انتخابات شکست بخورد این رمز و مداخله اجنبی در امور داخلی ایران مجدداً روزی نامه های دولتی را و از بار بخش و اقترا نسبت بانقاد کنندگان نمود و برای پیشرفت منظور خود واقعه پنجشنبه ۱۴ آذر را ایجاد نمود لذا نمایندگان اقلیت زین نظر انجام وظیفه تصمیم بتهصن گرفتند تا آنجا که می توانند این هوو جنجال را از سر ملت بردارند و نگذارند روی مداخله اجنبی و فکر مردم موزمناکت بیش از این آشفته گردد غیر از نمایندگان اقلیت تمام نمایندگان مجلس شورای ملی که همه بمنگلت علاقمندند اجازه نمی دهم هیچ اجنبی در امور داخلی ما مداخله بکنند اجازه نخواهم داد مجال است ما و عموم نمایندگان اجازه نمیدهیم هیچ اجنبی اعم از انگلیسی یا روس یا امریکا در امور ایران مداخله کند روزی نامه ها هر چه می خواهند بنویسند ما وظیفه خود عمل می کنیم وظیفه خود می دانیم در راه خدمت و وطن هر قدر می توانیم بکوشیم ولو تماماً کشته بشویم و روی اجسادمان تانک بیزند یا اسب بتازند هم درین جرایم غارت شده هم این تصمیم را گرفتند و عمل کردند و نادیدنی بالغ بر پنجاه نفر از آنها تحصن هستند حالا وارد دراصل موضوع می شوم آقای دکتر مصدق آنچه در مدت زمامداری خود اظهار کرده با حقیقت وفق نمی کند ولی بظاهرفوق العاده فریفته و برای گول خوردن مردم راه خوبی بوده است مثلاً موضوع روزی سیصد هزار لیره عایدی از نفت آنها بمفاصله چند روزی قفسم گرفتار فریبده و شیرینی است آقای دکتر مصدق همه چیز را فدای امیال خود میکند مگر برای مجلس را تا نگذاشت الحمدلله که آن روز صریحاً بیان را تا کید کرد و این با گفت پس معلوم می شود رئیس دولت متکی برای مجلس نیست و مجلس نمی خواهد بر گردیم بسن مجالس دنیا آری این دیگر رئیس الوزرا است؟ به چه کول می زنید؟ آنها مثل منی که خوب می دانم سوابق را خواهند دید اگر تحمل کند استادی این بیشتر اراده می دم کار کان بارزد آقای دکتر مصدق یک هدف دارد و آن خودخواهی و حفظ وجهت خودش است رئیس آقای دکتر مصدق همه چیز را فدای امیال خود می سازد مگر همین آقای دکتر از این مجلس بیرون رفتند و بهانه عدم تشکیل یک جلسه مجلس شورای ملی را مورد اهانت قرار دادند و در فضای بهارستان صریحاً نگفتند آنچه مجلس نیست اینجا که شامجه میمید مجلس است و هر چه در این باره با ایشان گفته شد رفع توهین بنمایند بطور صریح این اهانت را بر طرف ننمودند؟

(نیک رئیس) نایب رئیس وقت ستانهای گذشته شوشتری - من باید اینها را تمام بکنم زیرا آقایان نمایندگان استدعا می کردند وقت بدهند بخوانم و گفته باید بگویم آزاد نیستم (یکی از نمایندگان - دوونیم بعد از ظهر است آقای شوشتری معنی ندارد) عجب عین طور می گویند آزادی هست؟ برعکس باین ترتیب می خواهید اختناق آزادی را فراهم سازید؟ (یکی از نمایندگان - ۴ فقر صحبت کردند) من باید حرفهایم را بزنم (یکی از نمایندگان - بفرمائید از این جا مرا بکشند یا بنین مجال است، مجال است نایب رئیس - آقا نمایندگان تابع آیین نامه هستید یا نه؟ شوشتری - بفرمائید رأی بگیریید نایب رئیس - شما که تابع آیین نامه هستید وقتی اکثریت نباشد نمیتواند رأی گرفت شوشتری - وقتی سابق اکثریت نبود چکار میکنند؟ نایب رئیس - اجازه داده نیست شوشتری - یکی از آقایان پیشنهاد کند من بقدراحتیاج صحبت بکنم نایب رئیس - محتاج برای می شود و بعد برای اخذ رأی کافی نیست آقا آیین نامه را مراعات کنید هوشتری - آقای نخست وزیر می گویند صحبت بکنید نایب رئیس - آیین نامه است مطابق آیین نامه باید عمل کرد شوشتری - این حق را برایم محفوظ می فرمائید (تبدیل نش) بله آقای شوشتری بفرمائید) آقا این تلگراف دیشب برای من از دزفول رسید حزب زحمتکشان ببینید من خبرین دزدفولند و الله بالله مردم گناهی نکرده اند ریخته اند چه کرده اند آقا همان روزی که این واقعه اینجا اتفاق افتاده در برگان هم دانش آموزان را تخریب می کنند آقای سید محمد رضا شیرینی و مبر شهیدی که در آن دوره در درجه دوم سه هزار و چند صد نفری داشت آمدند به تهران چون پای فلسفی بیان آمده آمدند توی خانه من مهمان شدند در آنوقت تفنن بجانب آقای امیر تیمور دوست عزیزم کردم رفتند اینجا بچه های مردم را از مدرسه کشیدند و بردند من که جزه خانه صلح و این لاطانات نیستم و بدتر گت کردند و این قانون کسی مگر نه این است که اگر در درین قانون کسی ادعایی بکند ادعای او را عرض حال او را بطرف مقابلش اظهار میکنند و باو مهلت می دهند که ۱۵ روز جواب تهیه بکنند من از شما میبرسم اگر یک نفر بدکارش را بدون اطلاع قبلی خواستند و از او پرسیدند که شما بدکار هستی یا نیستی

و اقترا و تمهت مردمان شریف را می نسبت اجنبی دادن کار درست میشود؟ آشتیالی زاده - بنده مطابق ماده ۹۰ عرض دارم ماده ۹۰ بنده مربوط باین جریان نیست نایب رئیس - نوبت شمامعروضات آقای نخست وزیر بفرمائید نخست وزیر - در عرض میکنم که اقلیت آزاد نباشد در مجلس صحبت بکنند آن منملکت به پیوجه ترقی نیکنند اقلیت باید حرفهای خود را بزند و مردم قضاوت بکنند من استدعا می کنم اگر آقایان اقلیت غیر از آن ۴ نفر که صحبت کرده اند نظر یاتی دارند فرمایشاتی دارند بفرمائید تا من تمام مطالب آقایان جواب عرض کنم این آقایان همه با من شخصاً و ارتباطاً صحبت و مرحمت داشتند (پیراسته - حالا هم دارند)

من فقط این مطالب را می خواهم عرض کنم که با تمام مایه ای که جناب آقای امامی برای من ذکر کردند ایشان خودشان مرا پیشنهاد نخست وزیری کردند (جمال امامی - غلط کردم) من نمی دانم این تقصیر با جناب آقای امامی است یا با من که جاه طلب بوده ام و با این مصائب نخست وزیری را قبول کرده ام امیدوارم کملت ایران در این باب قضاوت بکند و آنچه را که حقیقت است درک بکند اکنون استدعا میکنم آقایان درست گوش بفرایض من بدهند اگر آقایان خسته هستند اگر آقایان ناهار میل نفرموده اند برای من که ناتوان هستم هیچ اشکالی ندارد که در این مجلس بمانم و آقایان تشریف ببرند ناهار خودشان را میل بکنند و بعد از نهار تشریف بیاورند و حرفهای مرا امضاء کنند (بعضی از نمایندگان - بفرمائید بفرمائید) در ۱۹۱۴ م هجری که من تحصیل خود را تمام کرده بوده و بهتر آن آدم بیکی از آقایان روحانیون که الان اسمش یادم نیست ممکن است اسمشان را بعد عرض کنم نزد من آمدند بله آقای آقا سید اسدالله دههوارقانی بودند نردن آمد و فرمودند باین قانون اصول محاکمات آقای مشیرالوله شما موافقت یا مخالف؟ من از نظر اینکه آقای مشیرالدوله و مرحوم امام جمعه خوئی و آقای حاج سید نصرالله و یک عده دیگری زحمت بسیار کشیده بودند و این قانون اصول محاکمات را بطور قانون موقت تصویب کرده بودند کاملاً موافقت خود را اظهار کردم مرحوم آقا سید اسدالله بن گفت شما چرا این حرف را میزنید مگر نه این است که اگر در درین قانون کسی ادعایی بکند ادعای او را عرض حال او را بطرف مقابلش اظهار میکنند و باو مهلت می دهند که ۱۵ روز جواب تهیه بکنند من از شما میبرسم اگر یک نفر بدکارش را بدون اطلاع قبلی خواستند و از او پرسیدند که شما بدکار هستی یا نیستی

آنها را که در آنوقت آن بدکار گفت صحیح است یا اینکه این بدکار برود و با بعضی از وکلای دادگستری مذاکره کند و راه قانونی برای کرده خود تهیه بکنند من حقیقه به آقا سید اسدالله گفتم این طریقی که شما میفرمائید بعقیده من بهتر است زیرا اگر بدهکار مجال دادند رفت باو کلای دادگستری مذاکره کرد ممکن است یک راههای قانونی برای خود تهیه بکنند در صورتیکه اگر بدکارهای حاضر شد با هیچ فکر قبلی اظهاراتی کرد اظهارات آه بدکار بیشتر مقرون بحقیقت است من در سوئیس وقتیکه تحصیل میکردم یکی از وکلای دادگستری شهرنو شائل معروف بود که وکیل بسیار خوبی است من پرسیدم که چرا می گویند این وکیل وکیل بسیار خوبی است گفتند این وکیل آن وکیل است که می تواند همیشه حرف ناحق را بکسی حق بنشانند بعد از اینکه من از دوره ششم تقنینیه رفتن بخانه و بعد از اینکه دولت درخواست من در مجلس وارد بشوم در امور سیاسی دخالت بکنم خواستم بر طبق تحصیلاتی که کرده ام بر طبق معلوماتی که داشتم و کالات دادگستری بروم ولی دیدم که حقیقه کسی نیست که بتوان حرف نا حساب را بکسی حساب بنشانم مثل اینکه اکنون در همین جلسه مجلس شورای ملی از این حرف ناحساب را بکسی حساب بنشانم در همین جلسه مجلس شورای ملی از این حرف ناحساب را بکسی حساب بنشانم در همین جلسه مجلس شورای ملی از این حرکت عکس برداری شد و من بسیار زحمت کشیدم که این احکم درین راه از بین نرود و آنها را باسلامت بقصد برسانم من عده ای از احکام را در آن جلسه شورای امنیت قرائت کردم پس از این که شورای امنیت دید که مجلس بهم به پیوجه من الوجوه ملک قانونی نداشته و یک نفر از نمایندگان مجلس هم نماینده حقیقی ملت نبوده اند بکلی رویه خود را تغییر داد و بالاخره حق داد حق داد رأی داد که تقاضای انگلیس به پیوجه مورد قبول واقع نشود و کار در محکمه دادگستری بین اللالی که سابقاً هم در آنجا مورد قبول واقع شده بود خاتمه یابد آنها ای که می گویند ما در شورای امنیت موفق نشده ایم حرفی بی اساس و نظری از روی اغراض شخصی استفاده می کنند اگر ما موفق نشده بودیم می بایست شورای امنیت حق بانگلیس بدهد تقاضای انگلیس مورد قبول واقع بشود پس وقتی که تقاضای انگلیس مورد قبول واقع نشد نتیجه این است که دولت ایران در شورای امنیت موفقیت کامل حاصل کرده است من یک عده ای از آن احکام وزارت دادگستری که نمایندگان منتسب بدولت در مجلس شورای ملی حاضر شده اند با اینجا همراه دارم من فقط خواستم که احکامی را که نسبت برده ها

صادر شده در اینجا بیارم تا این که باعث سرشکستگی آن زنده هائی که در این جا هستند و بفرزاد ۱۹۳۳ رأی داده اند شود اکنون از جناب آقای وزیر جنک خواهش می کنم تشریف بیاورند در این جا و این احکام را برای اطلاع و استحضار ملت بیچاره دولت مستعدیده ایران بفرمائید اینها عکس احکام است (در این وقت آقای وزیر جنک پشت تریبون قرار گرفته بشرح ذیل قرائت نمودند) تلگراف رمز تاریخ تحریر ۲۶ آبان ماه ۱۳۱۱ مشهد ایالت جلپله کاندیدی انتخابات ارامنه نقاط جنوب میرزا یانس می باشد مقرر فرمائید ترتیب انتخابات انجمن نظار طوری داده شود که متناسب بان انتخاب ایشان باشد (نایب رئیس - مارک کی است؟) مارک وزارت داخله است امضاء لایقره گروس تاریخ ۲۴ ۱۱ ۷ ۲۴ گروس حکومت کاندیدا انتخابات در حوزه گروس میرزا علی اکبر خان دبیر سهرابی می باشد ترتیب انتخاب انجمن نظار طوری داده شود که متناسب بان انتخاب ایشان باشد (یکی از نمایندگان - اصلش حاضر است اصلش در مصدق - اصلش حاضر است اصلش در بانک ملی است) (فرامرزی - جزء پستوانه است) ۱۲ آبان ماه ۱۳۱۱ شماره تلگراف ساری حکومت جلپله کاندیدی حوزه دهم بود میرزا صادق خان منتصر السلطان است امضاء لایقره است بنده نمی توانم بخوانم (نخست وزیر - چون فیروز کوه هم که جزء حوزه دهاوند است از نظر حکومت جزیساری بوده است این تلگراف بسیاری مغایره شده است) تلگراف شماره ۱۳۶۷ از رضاییه به تهران رمز است وزارت جلپله داخله تعلیمات لازمه داده شده اسم کاندیدی انتخابات رضاییه درست استخراج نشد مستمعی است مجدداً امر بتلگراف فرمائید مهر تلگرافخانه باز هم تلگراف رمزی است که کشف کرده اند از طهران بکجا معلوم نیست (تبدیل نش) مقصود از خواندن اینها چیست؟ (کشاورز صدر - منظور این است که معلوم شود قرارداد ۱۹۳۳ در مجلسی که انتخاباتش اینطور بوده تصویب شده است) مرکز اصلی انتخابات شاهسون فریه داشکن (شوشتری - داشکن است که مال سالارالدوله بود و طبق حکم دادگستری تقاس شد از سالار الدوله گرفته شد دادند بجای همدانی) (نخست وزیر - در دوره هم با موافقت اداره قشونی مرکز حوزه را تغییر دادند) وزارت جلپله داخله بانگلیسک مطالب ۱۳۱۴ صحیح است منظور مفهوم نیست مقرر فرمائید منظور را تشریح نمایند مخارج انتخابات هم نرسیده است برای اینکه تمویق در کار فراهم نشود امر بتشریح فرمائید

۲۷ و ۱۱ نادر آراسته در ذیل این تلگراف هم نوشته شده است که مقصود این است که انجمن طوری تشکیل شود که اعضاء آن مخالف انتخابات کاندیدای مذکور نباشد

حکومت جایزه زشت... تلگراف ذیل مطابق دستوری است که تحت شماره ۱۶۴۳ حکومت اسماک اهالی از اخذ تعرفه و دادن رأی تأثیری ندارد (آشتیانی زاده - روزی آتوت را هم بفرمائید که با بودند ؟ روزها را هم باید بشناسیم تمام مؤثرین در دستگاه را باید نام ببرید تا بشناسیم مانند کنوانسیون فرانسه دسته بدسته هم دیگر را متهم می کنیم)

فخست و فریو - این ها ۱۰ ورقه انتخابات دوره نهم بود که مربوط با شخص متوفی بود من برای اینکه با شخص غیر متوفی برنخورد این ده نمره را بنده انتخاب کردم - (جمال امامی - چرا برنخورد؟)

(آشتیانی زاده - مای خواهیم هیات حا که را عوض بکنیم هوای ماسرهای حا که است) این تلگرافها که در شورای امنیت خوانده شد در تمام آمریکا انعکاس هدیمتی تمام مردم آمریکا دیدند که اهضای شورای امنیت به این تلگرافات مستمع بودند و نمایندگان تهران این تلگرافات را قرائت کردند و از مضمون این تلگرافات مطلع شدند و این تلگرافات سیل شد که شورای امنیت نتواند حقانیت انگلیس را تصدیق کند و رأی بدهد که بمضامین دولت انگلیس تمام بشود - من بشوری گفتم اگر این مجمع نخواهد چنین کاری ترتیب اثر بدهد دیگر در دنیا چه معنی است که بتواند حق و عدالت را مورد توجه قرار بدهد شورای امنیت هم تحت تأثیر این تلگرافات و عراض من قرار گرفت و امر بنفع ایران خانه یافت (مکی - پس همین دلیل است که مزد شمارا می خواهند بدهند) من بشورای امنیت گفتم که در جامعه ملل هم همین تکلیف صلح و آشتی را بایران و انگلیس کردند اما تصدیق می فرمائید که آشتی کرک بامیش به چه مناسب ندارد همینطور همین پیشنهاد شد در ایران قرارداد ۱۹۳۳ منعقد بود یعنی من نمی گویم منمقد ، تنظیم خود و آن قرارداد بیاطل تا امروز اجرا شود ، بعد از خانه کار شوری ، من بر حسب دعوت یرزیدن ترومن که قبل از هر کتم فرموده بودند ، ناچار بودم بواشکنن بروم ، ولی نرفتم مجدداً د کتر ممالج ترومن به تلفن سکرد که شما وعده داده بودید که به واشکنن بیاید . حال اگر می خواهید در بیمارستانی که مخصوص خود ایشان است برای شما تهیه جا کنیم در همان جا وارد بشوید و اگر میل دارید در بیمارستان نروید محل دیگری برای شما تهیه شود ، من اظهار تشکر کردم عقیده خود را این طور بیان کردم همان معنی که در بیمارستان هست برای من تعیین بشود . بعد از یک

شب توقف در فیلاولفی روز سه شنبه ای که اکنون تاریخ آن درست در نظر من نیست بدعوت آقای ترومن در منزل ایشان حاضر شدم و ناهار را باهم صرف کردیم بعد از ناهار آقای ترومن با من داخل مذاکره شد . من به آقای ترومن عرض کردم شما در باره ایران چه مساعدهتی کردید ؟ ایران که در مدت ۱۰ سال از هر چه داشت از راه اسکاس ، تمام چیز هائی که می توانست در اختیار منصفین بگذارد ، خود داری نکرد و فداکاری نمود ، من از شما سؤال میکنم که نسبت به ایران چه مساعدهتی کردید ؟ درست است که شما با ما بواسطه بدل کرد ۵۰۰۰۰۰۰ و یک چند طیاره ای که برای مبارزه با منجه مرا می کردید و این موجب تشکرات ولی ایران هیچوقت انتظار نداشت که پس از آنکه متفقین ایران را که یل بیروزی نمایند از مساعدهت و کمک شما محروم شود . من اکنون نیامده ام که از شما چیزی بخواهم . من آمده ام که شما با این اختلافی که ما راجع به نفت داریم ، جنبه بی طرفی اتخاذ بکنید و طوری کنید که کار بعد الت نصفت خانه پیدا کند . آقای ترومن من گفتند که بسیار متاسفم که تا اکنون نتوانستیم آنطوریکه مقصود بوده است با ایران همکاری کنیم ولی امیدواریم که بعدها بتوانیم جریان مافات را بکنیم . اکنون آقای آچس وزیر خارجه که حضور دارند و مورد اعتماد منند با شما داخل مذاکره می شوند و امیدوارم که انشاءالله کار شما بخوبی خانه پیدا کند . من از خدمت آقای ترومن بر مضانه ای که تعیین شده بود رفته دو روز بعد آقای آچس آمدند با من داخل مذاکره شدند . پس از مذاکرات زیاد ایشان اظهار نمودند که من باید برای ماوریتی که دارم به پاریس در مجمع ملل متفق حاضر شوم . در غیاب من آقای ملک کی معان من با شما داخل مذاکره می شود و امیدوارم کاری که شما در نظر دارید به خوبی خانه پیدا کند . آقای ملک کی قبل از اینکه بنده بواشکنن بروم در نیویورک دمرتبه با من ملاقات کردند . بن اظهار کردند که نه شما می توانید بدولت انگلیس پیشنهادی بدهد از این پیشنهاداتی قرارداد بیاطل تا امروز اجرا شود ، بعد از که دادید و مورد قبول واقع نشد بدهید نه انگلیس می تواند بشما پیشنهادی بدهد پس بهتر آنست که من با طرفین تماس بگیرم و از نظریات طرفین مستحضر بشوم و بعد از آنکه دیدم می توانم یک پیشنهاد مرضی الطرفین تهیه کنم . آن پیشنهاد را بنام راهنا و دولت آمریکا بطرفین بدهم چون این مطلب بسیار منطقی بود منتهی قبول کردم و در واشکنن با آقای ملک کی مدت ۲۰ روز متجاوزاً ۲۶ روز حال درست بغاطر ندارم همه روزه در تماس بودم و بعضی روزها اتفاقاً افتاد که آقای ژرژ

ملک کی دمرتبه بدیدن من می آمدند و بسیار شخص مهربان و خیرخواهی بودند ولی متأسفانه مذاکرات ما بجائی نرسید و من آنچه حدس میزنم و حس می کنم چهار دلیل برای عدم موفقیت وجود داشت دلیل اول اینکه دولت انگلیس نمی خواست دولت آمریکا در کاری که زاجح بایران و انگلیس است وارد مذاکره شود . دلیل دوم اینکه تغییر حکومت کارگری سبب شد که ما نتوانستیم نتیجه ای بگیریم زیرا حکومت کارگری حکومتی بود که ملی شدن صنایع را در دولت خود قبول کرده بود ولی حکومت محافظه کار که بروی کار آمد قبل از انتخابات اظهاراتی نمود که برخلاف ملت صنایع بود . باین جهت دولت محافظه کار نمی توانست بزودی برخلاف آنچه را که گفته بود عمل بکنند با ما را . دادی متعقد کند . دلیل سیم این بود که در مذاکرات وقتی که می گفتند یک شرکت بیطرفی در ایران بیاید و کار نفت را اداره کند و اینطور می گفتند که چون متخصصین انگلیسی عیالاً بیکارند ، باید یکمده ای از متخصصین انگلیسی هم در کار یک شرکت بیطرفی که بایران می آید شرکت کنند . من آنها گفتم از روزیکه من با این هیأت ایران وارد اروابو امریکا شده ام هر فردی از افراد هریک از رجال امریکا با تریک و تهتیت گفتند که ایران استقلال سیاسی خود را بدست آورده است و من هر قدر فکر می کنم برای تحصیل این استقلال غیر از اخراج انگلیسها از جنوب ایران کار دیگری نکرده ایم . بنا بر این اگر من هم حاضر شدم ملت ایران هیچوقت حاضر نیست استقلالی را که با اینهمه فداکاری بدست آورده است برایشان از دست بدهد . انگلیسها می توانند در تمام نقاط کشور تجارت کنند . توقف کنند ولی وجود انگلیسها و دخالت انگلیسها در نفت جنوب سبب خواهد شد که دنیا بملت ایران نسبت جنون بدهد . دنیا خواهد گفت ای ایرانی تو که برای حفاظت استقلال سیاسی خود این همه تحمل مشقت و زحمت کشیده ای چه طور شد که مجدداً راضی شده ای که انگلیسها می که در نفت جنوب بودند خارج شدند مجدداً وارد ایران بشوند ؟ بنا بر این اخراج انگلیسها در دست دولت نیست . من یقین دارم که ملت ایران هیچوقت راضی نخواهد شد که آن ها بایران مخصوصاً برای کار نفت مراجعت کنند (صحیح است) در انتنائی که ما با ژرژ ملک کی مذاکره میکردیم بانک بین المللی هم بوسیله سفارت گرفتار ، پاکستان با من داخل مذاکره شد بانک بین المللی اظهار میکرد که من برای اینکه کار نفت راه بیفتد حاضرم پولی وجهی بیاورم در اینجا و این

کار را راه بیندازم . من به چه وجه مطالب امتیاز نیستم . من فقط می خواهم که کار نفت معوق نماند و در بازار بین المللی جریان پیدا بکند منم با این قسمت اول موافقت کردم و بانک بین المللی بانکی نیست که ظاهراً مربوط بیکی از دول باشد و بانک بین المللی نمیتوانست از ما بیعتی بگیرد . بانک بین المللی می خواست موفق کار نفت را در جریان بیندازد تا تکلیف این امر بکلی معلوم شود . قسمت دوم هم این بود که بانک بین المللی میگفت قسمتی از عایدات نفت را یک یورو - سانتاز قیمت نفت را من در یک بانکی و دبیسه میگذارم تا اگر دولت انگلیس یا شرکت سابق نفت ثابت کرد طلبی از دولت ایران دارد از باب آن طلب برداشته شود . منم نظر باینکه مسأله با قانون ما با یکی از مواد نه گانه ما موافق بود قبول کردم . مسأله سوم مسأله متخصصین انگلیسی بود که من همان دلائلی که بیکی از نخستینهای ای یکائی اظهار کردم به او هم اظهار کردم بانک بین المللی گفت مطلب صحیح است و منم می توانم از آن کم که به نیت ملت ایران بر می خورد . بنا بر این بانک بین المللی می گفت که من حاضرم بروم و اینکار را بچیران بیندازم ولی من بیانک بین المللی گفتم که این کافی نیست برای اینکه شما بروید و یک سرمایه می برید برای اینکه نفت را بچیران بیندازید ولی وقتی که نفت تهیه شد ممکنست که شما بیاید بگوئید که نفت شما را که امروز مطابق نرخ خلیج فارس یک دلار و هفتاد و پنج سنت مطابق کارت نرخ بین المللی قیمت دارد به پنجاه سنت می خرم آنوقت اگر ما فروختیم قبول است و اگر فروختیم باید مخرجی که شما کرده اید از منم بر آیم بنا بر این لازم است راجع بقیمت بین ما و شما توافق حاصل شود تا اگر آمدید نفت را بچیران انداخته ما باینم شما بچه قیمت نفت را در حساب ایران حساب می کنید بانک بین المللی گفت که چون من نمی توانم در اینباب شخصاً تصدیقی اتخاذ بکنم این مطلب موکول باین خواهد شد که بعداً بشما اطلاع بدهم و من نمی دانم بچهره ترتیب بشما این مطلب را برسانم من بچگونگی بانک بین المللی که چند نهمه بان مذاکره کرده بود گفتم شامی تواید بوسیله تلفن باشخص خودم بایک تلگراف بایک نماینده نظری بخودتان را نسبت بقیمت اظهار کنید اگر قیمتی که شما تعیین می کنید نظریات ما موافقت کرد شما می توانید بایران بیاید و کار نفت را بچیران بیندازید و اگر نکرد من به چه وجه صلاح مملکت را نمی دانم که شما بولی بیاورید در ایران خرج کنید و یک دردی بر دردهای دیگر اضافه بکنید اینجا لازمست برض آقایان معترم برسانم که این دولت به چه وجه قیرا صراحت

مملکت نظری نداشته است این دولت هر کاری که کرده است در روی مصالح مملکت بوده است (صحیح است) دولت اینکه کار ما بیطرفت نکرده سوء سیاست شرکت سابق نفت بوده است اگر شرکت سابق نفت در دوره شانزدهم همین پنجاه درصد که الان حاضر است بایران بدهد قبول کرده بود من یقین دارم که هیچ اختلافی بین شرکت و ملت ایران نبود ولی شرکت بک مساجت هائی کرد شرکت خواست که از این منابع ما بقدری استفاده بکند که بایران هیچ نماند این بود که ملت ایران را هصبانی کرد انتخابات تهران انتخابات یک عده ای در این شهر فرزند همومی بود مردم آنها را انتخاب کردند که بانفت کاملاً مغایرت داشتند در مجلس شورای ملی این عده که پشتیبانش ملت ایران بود نتوانستند با کمک و همکاری آقایان معترم نمایندگان مجلس شورای ملی و مجلس سنا نفت را ملی کنند دولتی که بعد از ملی شدن نفت تشکیل شد به چه وجه حاضر نبود که یک خلع بد تمام معنی بکند دولت حاضر شد که برای مسالمت با شرکت سابق نفت برای حفظ روابط و صمیمیتی که با دولت انگلیس داشت و حالا هم دارد به چه وجه خللی باین روابط وارد نشود خود راضی کند که کشتهای نفت یک قبض رسید بدهند تا اینکه بعد بتواند آنچه را که برده اند با شرکت سابق حساب کنند همه آقایان در این قضیه کاملاً مطلع و مستحضرند که شرکت نفت با چه لجاجتی و با چه سر سختی نفوسات این پیشنهاد دولت ایران را قبول کند پس از اینکه دولت ایران از قبول این پیشنهاد مایوس شد ، حاضر شد که بیشتر از سابق در قضیه اقدام کند دولت ایران بشرکت سابق پیشنهاد کرد که ما حاضریم با این که دولت انگلیس یا شرکت سابق نفت همیشه تبلیغات می کردند که متخصصین انگلیسی حاضر نیستند که از دولت ایران کار قبول بکنند ، دولت ایران پیشنهادی بآنها داد و حاضر شد همان قرار دادی که این متخصصین با شرکت سابق عایدات نفت ما ۱۰ میلیون لیره بوده است که این عایدات هم بدستور دهنده گان وجه به مخرجی رسیده است که خود آنها همین کرده اند . از جمله یک نلت از این عایدات خرج خرید اسلحه شده که وقتیکه متفقین آمده اند آن اسلحه را از ما گرفته اند و برده اند ما نمی بایست تصور کنیم که عایدات نفت را داریم ، ما باید بگوئیم این مملکت نفتی ندارد ، این مملکت مثل افغانستان ، مثل سایر ملل اروپا دارای نفت نیست . ما باید از مخرج خود بکاهیم و بر عایدات خود بیفزاییم و ملت ایران تحمل هر گونه مشقتی را بکند تا طوق رفیق و بندگی را بگردن خود نکند . برای ما شایسته

خواهد با همان رویه قرن نوزدهم با ملت ایران رفتار کند و ملت ایران بتمام معنی مخالف آن چیزی است که مادر قرن نوزدهم دیدیم امروز هیچ ملتی نیست که بخواند استقلال و آزادی اودستخوش افراض دول استمداری بشود و اما راجع بانیکه چرا ما موفقیت کاملی حاصل نکردیم اینجا لازمست عرض کنیم که دولت آمریکا گرچه ظاهراً با دولت ایران هم آهنگی میکند ولی نمایندگان آن دولت بضمی در تحت تأثیر انگلیس هستند که نمی توانند برای ایران کاری بکنند . من در اروپا سفرای امریکا را دیدم که همگی از رفتار وزارت خارجه امریکا شکایت میکنند . از آن جمله آقای درفوس ، آقای والاس مری ، آقای گریبی که اخیراً هم مقالاتی در جراید امریکا بنفع ایران و بر علیه وزارت خارجه امریکا منتشر کرده است . بنده صاف و بی پرده عرض می کنم که آقای ژرژ ملک کی بامن در این مدت ۲۵ روز مثل یک برادر صمیمی بود . آقای ژرژ ملک کی تمام مطالب منطقی دولت ایران را تصدیق میکرد ولی همین تصدیق سبب شد که ایشان را بلافاصله مأمور سفارت آنکارا بکنند . ما ناچاریم که این آزادی سیاسی خود را که بدست آورده ایم بهر قیمتی که باشد با تحمل هر مشقتی که باشد حفظ کنیم . آقایان معترم شامی بیاید که دولت انگلیس ، ملت انگلیس ده سال هفته بی دوروز برای عبادت و استقلال خود بیشتر گوشت نخوردند ، ملت انگلیس حاضر شد که بالباس پاره زندگی بکند و سیادت و استقلال خود را حفظ بکند . هیچ ملتی نیست که بدون فداکاری ، بدون زحمت بتواند استقلال خود را حفظ کند . من وقتی که از قبول این پیشنهاد مایوس بودم ، در نیل رامی دیدم و با آن ترفیف هائی که از خوزستان میکنند یقین دارم که اگر ما نفت هم نداشته باشیم از زراعت خوزستان می توانیم جریان نفت را بکنیم (شوشتری - ای کاش اصلاً نداشتیم) مگر این فقط در تمام این چهل سال چه عایداتی بدادده است ؟ من مطابق صورتی که از وزارت دارائی گرفته ام در مدت چهل سال عایدات نفت ما ۱۰ میلیون لیره بوده است که این عایدات هم بدستور دهنده گان وجه به مخرجی رسیده است که خود آنها همین کرده اند . از جمله یک نلت از این عایدات خرج خرید اسلحه شده که وقتیکه متفقین آمده اند آن اسلحه را از ما گرفته اند و برده اند ما نمی بایست تصور کنیم که عایدات نفت را داریم ، ما باید بگوئیم این مملکت نفتی ندارد ، این مملکت مثل افغانستان ، مثل سایر ملل اروپا دارای نفت نیست . ما باید از مخرج خود بکاهیم و بر عایدات خود بیفزاییم و ملت ایران تحمل هر گونه مشقتی را بکند تا طوق رفیق و بندگی را بگردن خود نکند . برای ما شایسته

بهره برداری مادن سرتاسر مملکت باید در دست دولت ایران باشد چرا اینکار را کردیم برای اینکه اگر کوچکترین فایده ای حرکت سابق در ایران می بود دیگران هم ممکن بود همین تقاضا را از ما بکنند ما این صفت را در دست دولت دادیم تا مملکت ایران بتواند از هر گونه تقاضای خودداری کند دلیل سیاسی این بود که عرض شد اما دلیل اقتصادی بترور عرض کردم آقا ما قریب سیصد تا ۴۰۰ میلیون کسر دارم یعنی یک میلیارد بودجه مخارج است و بین شصده تا هفتصد میلیون بودجه مایدات ماست شاخص و تصور میکنید یک ملیتی این اندازه بودجه آن کسر داشته باشد بتواند امنیت و نظامات را در مملکت حفظ بکند در بودجه مخارج مادیاری برسم اعتبار تولیدی نیست و چون در بودجه اعتبار مخارج تولیدی نیست همه زبانی از مردم مملکت هجوم با ادارات دولتی آورده اند گمان می توانم آنها را اخراج کنیم ولی وقتی که بودجه مخارج تولیدی داشته باشیم میتوانیم در خارج کارهایی بکنیم که این مردم از ادارات دنبال کارهای آزادرونند کسر بودجه ما سبب شده است که بیکاری بدبختی در تمام مملکت حکم فرما شده و این بیکاری و بدبختی و عدم رضایت بخودی خود سبب میشود که صلح بین المللی را در مملکت ما دچار خطر بکند آقا می ترسم هم با این مذاکرات من کلاما موافق بودم اینجا لازم است که من از قضایای روز پنجشنبه هم عرض آقایان معترم برسانم روی همان اصل که عرض کردم که اگر نفاق بین نمایندگان مجلسین و دولت باشد استفاده می کنند اگر نفاق بین یکدسته از مردم این مملکت با دولت باشد خارجی ها همین سوء استفاده ها را میکنند اهلائی کرده بودند یکمده از اشخاصی که می خواستند میتینگ سیاری بدهند و در جلوی میدان بهارستان متوقف شوند و نظارات بکنند این اعلان برخلاف مقررات دولت بود زیرا دولت قبل از اینکه من مسافرت بکنم برای میتینگ میدان فوزیه را تعیین کرده بود و همچنین مطابق مقررات می بایستی سه روز قبل با اداره شهر بانی اطلاع می دادند این آقایان نه با اداره شهر بانی اطلاع دادند و نه حاضر شدند که میدان فوزیه بروند (تیمور تاش - السامه هم دارند میتینگ می دهند) ما بوسه چند بیابانه گفتیم که نیاید آخر در همان شب قبل از روز میتینگ در ساعت ۱۱ شب در راه بودند و با اطلاع هم رسانیدیم که هر کس برخلاف مقررات رفتار بکند جلو گیری خواهد شد میدان میتینگ میدان فوزیه است و چون سه روز قبل خبر ندادند بهیچوجه حق نظارات ندادند و نقشه دانشگاه را که می خواستند در آنجا وارد شوند آوردند و شش خیابانی که مربوط به دانشگاه بود قرار شد در دست نظارت قوای انتظامی قرار بگیرد و همینطور هم بواسطه اقدامات آقای وزیر جنگ که من از

ایشان بسیار متشکرم و همچنین اقدامات وزارت کشور که بازم متشکرم رسم شد که همه ای پاسبان و عده ای نظامی روز پنج شنبه این تقاطرها تصرف بکنند و نگذارند که کسی وارد دانشگاه شود من نمی خواهم از کاری که در ۱۶ آذر وارد شده از رئیس دانشگاه که می بایستی جلوگیری می کرد گله بکنم ولی در این باب ما تصمیم گرفتیم جفا اقدام شود و این قوای انتظامی بشام معنی جلو گیری کرد ولی بکنده ای از راههای دیگر از خیابانهای دیگر وارد خیابان شاه آباد شدند و آمدند در جلوی مجلس در بهارستان تظاهرات کردند سکه بالاخره متوجه شدند که آنها را متفرق بکنند و بکنند از صاحب منصبان وظیفه شناس این مملکت دچار خطر و بالاخره بر حمت ابزدی پیوند این مسئله روز پنجشنبه صبح بودم می خواهم عرض کنم که اگر این آقایانی که میتینگ دادند آقایان وطن پرستی هستند می بایستی درک بکنند که چنانچه برخلاف نظریات این دولت که امروز وارد یک کار های مهمی است وارد یک مبارزهای است و در صلاح مملکت است که اقدامی نکنند پس اقدام این آقایان اگر هم سوء قصد نداشتند بضرر ایران تمام شد و من بهیچوجه متأثر نیستم اگر چه بعضی از اینها صدمه ای وارد شده باشد زیرا هر کس برخلاف نظامات رفتار بکند اگر دولتی هست باید شدیداً جلو گیری بکنند (صحیح است) والا نظامات در مملکت برقرار نخواهد شد و موجب هرج و مرج می شود (صحیح است) دولت موظف است اگر اهلائی کرد که یک عده بر خلاف نظامات رفتار نکنند آن عده از دولت اطاعت بکنند این دولت هیچ وقت موافق با آشوب طلبی نیست این دولت بهیچوجه موافق با افرادی که می خواهند اختلال در کار نظامات بکنند نخواهد بود این دولت قویاً با هر کس که مخالف نظامات باشد مخالفت میکند و آنها را با دغا گاه نظامی اگر در صلاحیت دادگاه نظامی است و اگر نه بسایر دادگاهها تحویل می دهد اینجا لازم می دانم عرض کنم از قضیه بعد از ظهر پنجشنبه نه تنها دولت بلکه خدا شاهد است که تمام این افراد دولت متأسف و متأثر هستند بعد از ظهر شنبه کارهایی اتفاق افتاد که بهیچوجه مرضی دولت نبود و گمان هم نمیکنم که هیچکس از آقایان معترم هم باین عملیات رونا بدهند دولت اگر کاری واقع شد و مجازات نکرد مقصود در هر مملکتی ممکن است اتفاقاتی بیفتد دولت نمی تواند در تمام مملکت یک قوای تأمینیه برای همیشه بگذارد که اگر کسی خواست آشوبی بکند و اگر کسی خواست اختلال در امنیت بکند فوراً جلو گیری بکند دولت البته در این شهر من می خواهم عرض کنم که قضیه روز

شنبه بعد از ظهر یک قضیه ای بود که غیر مترقبه بود در هر شهری ممکن است سرف هائی بیش بیاید اگر دولت برای کشف سارق و اموال صاحب مال اقدامی نکرد آنوقت مقصود دولت بود نمی توان گفت که چرا بعد از ظهر روز شنبه یک عده ای رفتند و اموال جاهائی را غارت کرده اند (آشتیانی زاده - پلیس در کامیون عیبشان بود) دولت یک عده ای را که عبارت بودند از آقای خواجهوی و اشرف سمنانی رئیس شعبه استیاف و یکی هم عالی مستشار استیاف اینها را تعیین کرد بکنند من از آقایانی که خسارت دیده اند تمی می کنم استدعا میکنم نمایندگان خودشان را بفرستند و اشخاصی که مرتکب این جرم و خیانت شده اند معرفی بکنند اگر دولت وظیفه خود عمل نکرد آنوقت دولت را مورد شانت و ملامت قرار بدهند آقا دولت تابع مجلس است این دولت باید که رای جناب آقای شوختری در مجلس می آید و باید که رای می رود (آشتیانی زاده - این مجلس نمی تواند وعده نداد و ورقه کبود بدهد همیشه هم همینطور بوده) آقایان اکثریت هر ساعتی که رای ندادند نه این دولت هر دولتی که هست باید بروند خدا را بشهادت می طلبم که بهیچوجه میل نداشتم در انتخابات این دوره شرکت بکنم (شوختری - الهام نکند) زیرا برنامه است دولت از روز اول این بود که در قانون انتخابات تجدید نظر بشود و نظریه اش این بود که اشخاصی با سواد رای بدهند که بدانند چه اشخاص را انتخاب میکنند متأسفانه در این باب نمی خواهم عرض کنم تقصیری بود ولی ناچارم عرض کنم تقصیر آن اشخاصی است که لایحه را باین ترتیب و باین شکل آوردند من روز اولی که خدمت اعلی حضرت مشرف شدم عرض کردم راجع به مجلس مؤسسان استدعا میکنم که اینکار تأخیر شود ۲ لایحه من دادم که اینها قبلاً به مجلس بیاید و تصویب شود یکی از آن لوایح راجع به مطبوعات بود و دیگری راجع به انتخابات اعلی حضرت فرمودند که من منصور الملک را می فرستم خانه شما با هم مذاکره کنید و ترتیب این کار را بدهید آقای منصور الملک آمدند لایحه مطبوعات را با نظر نمایندگان مطبوعات در منزل بنده تنظیم شد ولی ایشان تقدیم نکردند لایحه انتخابات را هم خود من تقدیم کرده بودم و ایشان دادم لایحه انتخابات من این بود که بلوکات از شهرها مجزی شود و در شهرها ما بتوانیم شصت و چهار نفر از دوستان نفروکیل اصل چهارم قانون اساسی استفاده کنیم و با نفر وکیل شهر تهران ۷۴ نفر اشخاص با سواد از شهرها انتخاب کنند این لایحه ای که من دادم ضرری برای کسی

نداشت اگر کسی در بلوکات رای داشت انتخاب می شد و اگر کسی در شهرها رای داشت انتخاب می شد و اشخاص شهر نشین مزاحم کاندیدای بلوکات نمی شدند ولی متأسفانه برای اینکه این لایحه در مجلس شورای ملی نگذرد همچنانکه برای شهرداری تهران هم که اشخاص با سواد را تعیین کرده اند و مجلس سنا رای داده بود در مجلس نگذشت در این لایحه تصرفاتی شد در کمیسیون در این لایحه نوشتند که تمام رای دهندگان باید با سواد باشند (شوختری - تملیق به مجلس بود) وقتی من لایحه را دادم بودم که تنظیم کنند این لایحه جز سوء نظر جز اینکه قصد داشته این لایحه از مجلس نگذرد نظر دیگری نداشته تمی می کنم استدعا میکنم نمایندگان خودشان را بفرستند و اشخاصی که مرتکب این جرم و خیانت شده اند معرفی بکنند اگر دولت وظیفه خود عمل نکرد آنوقت دولت را مورد شانت و ملامت قرار بدهند آقا دولت تابع مجلس است این دولت باید که رای جناب آقای شوختری در مجلس می آید و باید که رای می رود (آشتیانی زاده - این مجلس نمی تواند وعده نداد و ورقه کبود بدهد همیشه هم همینطور بوده) آقایان اکثریت هر ساعتی که رای ندادند نه این دولت هر دولتی که هست باید بروند خدا را بشهادت می طلبم که بهیچوجه میل نداشتم در انتخابات این دوره شرکت بکنم (شوختری - الهام نکند) زیرا برنامه است دولت از روز اول این بود که در قانون انتخابات تجدید نظر بشود و نظریه اش این بود که اشخاصی با سواد رای بدهند که بدانند چه اشخاص را انتخاب میکنند متأسفانه در این باب نمی خواهم عرض کنم تقصیری بود ولی ناچارم عرض کنم تقصیر آن اشخاصی است که لایحه را باین ترتیب و باین شکل آوردند من روز اولی که خدمت اعلی حضرت مشرف شدم عرض کردم راجع به مجلس مؤسسان استدعا میکنم که اینکار تأخیر شود ۲ لایحه من دادم که اینها قبلاً به مجلس بیاید و تصویب شود یکی از آن لوایح راجع به مطبوعات بود و دیگری راجع به انتخابات اعلی حضرت فرمودند که من منصور الملک را می فرستم خانه شما با هم مذاکره کنید و ترتیب این کار را بدهید آقای منصور الملک آمدند لایحه مطبوعات را با نظر نمایندگان مطبوعات در منزل بنده تنظیم شد ولی ایشان تقدیم نکردند لایحه انتخابات را هم خود من تقدیم کرده بودم و ایشان دادم لایحه انتخابات من این بود که بلوکات از شهرها مجزی شود و در شهرها ما بتوانیم شصت و چهار نفر از دوستان نفروکیل اصل چهارم قانون اساسی استفاده کنیم و با نفر وکیل شهر تهران ۷۴ نفر اشخاص با سواد از شهرها انتخاب کنند این لایحه ای که من دادم ضرری برای کسی

من بی نهایت تشکرمی کنم برای این که شما تکلیف وحدانی مرا فرمودید و بفرمایید تکلیف وحدانی من این است که تمام وای اگر مجلس شورای ملی رای نداد دیگر تقصیری ندارم دیگر من در مقابل ملت بهیچوجه مسؤول نیستم خواهان گذشت که آقای شوختری پیشنهاد کردند و مجلس شورای ملی رای نداد و ایشان رفتند (شوختری - دکتر جان من بکنم) این را هم در خانه لازم است عرض بکنم که ماده هفت قانون اجرای مایه زمین نفت مصرف کنندگان سه ساله اخیر را ذیق دانسته است که نفت را بپزند ولی هیئت معنفا بمن اجازه داد و مطابق مقررات قانون بمن نوشته اند که دولت مجاز است بهر کس که می تواند نفت ایران را ببرد ولو اینکه با مدت یا بی مدت باشد دولت معامله کند من فردا به عارفان هائی که در این شهر هستند می نویسم که تا سه روز اگر آمدند با دولت معامله کردند البته دولت با آنها معامله می کند و اگر نیامدند دولت ذیق است و میتواند با هر که خواست از ایران نفت ببرد ولو با مدت معامله کند البته آقایان معترم راضی نمی شوند که شرکت نفت سابق این ملت نجیب کهن سال شرافتمند را در مصیقه بکنند و این ملت را بروزی در پیورد که ناچار شود هر چه شرکت بگوید قبول کند این مسئله با وجدان آقایان تصور می کنم موافق نباشد من این را لازم بود در مجلس اعلام کنم (صحیح است)

شوختری - آقای دکتر از این و کلا بهتر گیت نمی آید

آشتیانی زاده - ماده نود بنده را هم اجازه بفرمائید

نایب رئیس - نوبت شما معفرظ است آقای مکی هم مطالبی دارند خواهش می کنم آقایان تشریف ببرند

مکی - عرض کنم در جلسه خصوصی امروز که بنده نصفه روی ملاقات و روی ایتمی که بعد متکراری همه وزارت از آقایان نمایندگان معترم داشتیم پیشنهاد کرده که با موقعیت حکومتی مملکت این حب و بغض ها را کنار بگذاریم و با تمام خون را با خون بشوئیم گفتیم بیاییم آب را واسه ترار بشوئیم خون را با آب بشوئیم الان دوسایست مغرب می خواهد در شان مملکت را بزند (شوختری - سه سیاست من سیاست انگلوساکسن را یکی میدانم هر دو شان استعماری است و برای من همانطور که بارها عرض کردم خارجی خارجی است در امریکا و انگلیس و روس یکسان است در سیاست خارجی دبلوک با اصطلاح باختری و خاوری اینها هر دو شان ذی لاف هستند که ایران متشجع بشود بلوک انگلوساکسن می خواهند بگویند که از وقتی که نفت علی شده وضع ایران متشجع است و سیاست مقابل هم همیشه از تشنج و انقلاب استفاده کرده (صحیح است) این دوسایست الان با هم دیگر همکاری می کنند و می خواهند بین ملت ایران تفرقه بیندازند می خواهند مسئله اساسی مسئله مهم روز ما که مسئله نفت و باره کردن زنجیر استعمار است از بین ببرند (آشتیانی زاده - آنکه تمام شد) یک ملت آزاد و مستقل باید مستقل فکر بکند آقایان بیایید متفقاً فکر بکنید بنشینید دور هم در نظر از اقلیت و اکثریت زدهای اکثریت بنشینند ریش سفیدها بنشینند آقایان اقلیت هم بنشینند مجلس باید اقلیت داشته باشد مجلس بی اقلیت قبرستان است باید اقلیت داشته باشد اقلیت هم باید انتقاد خودش را بکند تا بتوانیم یک مجلس زنده داشته باشیم و امروز هم ملاحظه فرمودید که اکثریت با کمال حوصله تمام فرمایشات

عزیز هائی که اقلیت در تمدن کرد برای این مجلس کرد که بگویند در مجلس ایران آزادی وجود داشت و آنها آزادانه حتی بکتر صدق که مورد احترام آنها است ایران است بلکه مورد احترام تمام ملت اسلامی است و میخواهند محسسه این مرد را بریزند (پشت وزیر - من محسسه نمی خواهم) برای اینکه میخواهد در تمام خاور میانه بر علیه استعمار یک وحدتی بوجود بیاورد در هر کشوری در هر منطقه ای مملکت آقا تا قانون اداره می شود حکومت عداست من ممکن است بخیلی از کار های دولت انتقاد داشته باشم ولی مصلحت مملکت فعلا ایجاب می کند که دولت را نگاه بداریم برای اینکه این دولت نگاه دارد یکی از سیاست هائی است که از جمله نادر به دوستیان مهمتر است ما میخواهیم زنجیر استعمار تمام خاور میانه را بپاره کنیم و موفق هم داریم میشود موقیت بسا هاست خدا هم با ما است باید بگذرد همکاری کرد و اگر دولت هم خدای نکرده یک سکار هائی مخالف مقررات کرده بفرض محال من ایست دندان روی چکر بکنانم برای اینکه این مسئله حیاتی حل شود حلال من خواهش می کنم که فردا جا مخصوصی تشکیل بدین همه ای اکثریت یک جلسه خصوصی در مجلس تشکیل بدهند آقایان اقلیت هم تشریف بیاورند و با هم جرایدهم گذر این جا متحصن هستند آنها را میخواهیم با آبرو مندی باین تعصن خاتمه بدهیم زیرا وضع مملکت ما ایجاب می کند که یک آرامش برقرار باشد تا دولت بتواند این مبارزه ای را که خون جگر شده تا اینجا رسانیده موفق بشود این مبارزه را تمام کند (صحیح است) والا اگر میخواهیم روی نصب برویم جار و جنجال برای همه ممکن و میسر است (صحیح است) من در هوای امروز این وضعیت را که

در همه بخدا استقامت بوی باروت را کرده اگر در این مملکت نشانی خور انقلاب خود بنام هیچکس نیست هر دو طرف ما از بین خواهیم رفت اول باید مملکت باشد استقلالی باشد که من انتظار میکنم که کویز مجلس هستم شما انتظار بکنید که وکیل اقلیت هستید شما انتظار بکنید که نماینده اکثریت است اگر مملکت نبود اکثریت نه اقلیت مردم دیگر هیچکس تأمین ندارد شما دارید جنگ داخل مجلس را به خارج سرایت می دهید (صفائی - دولت میکند) اجازه بفرمائید آقایان روی نصب بروید خواهش میکنم متصفانه پیش خدا و وجدان قضاوت بکنید من هراضی را که بسمع جنابعالی و آقایان میسرانم بخدا بنام مقدمات خالی از هر نوع حب و بغض است روی مصلحت مملکت می گویم آینه مملکت را دارم می بینم در هر حال دارم استقامت بوی بدی میکنم من ناچارم اعلام خطابه مجلس بکنم (صفائی - بدولت بکنید) بهر دو دسته اقلیت و اکثریت می گویم که این روش قابل دوام نیست و سرانجام بنابودی مملکت منجر می شود و اگر این دولت در حال حاضر خدای نکرده سقوط بکند مملکت بطرف انقلاب میرود من می دانم که هر از این دولت حمایت میکنم تمام باید بسنجید همه در راه استقلال مملکت و مادرت ملت ایران قدم بردارید این تقاضای بنده است از معضرم مقدس مجلس شورای ملی که آقایان اکثریت و اقلیت زعمایان بنشینند یک راه حل پیدا کنند و اختلافات راحل کنند که آقایان راهم من بپریم صحیح و سالم بشاهان برسانم

۳-۲۹ **نایب رئیس -** جلسه را ختم کنیم جلسه آینده روز پنجشنبه ساعت ۹ صبح آقای آشتیانی زاده و آقای امامی اهری معفو ظاست جلسه ساعت چهارم در وقت بعد از ظهر ختم شد

نایب رئیس مجلس شورای ملی - جواد گنجی